

ساخت و سازهای دوره ساسانی در بیستون: پروژه‌هایی که می‌چکاه به اتمام نرسیدند

مجتبی چرمچیان* و دکتر فرزادامانی**

* دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر.

** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهر.

چکیده

شواهد زیادی از ساخت و سازهای دوره ساسانی در بیستون وجود دارد که با توجه به مدارک به دست آمده باید آنها را متعلق به اواخر این دوره و مشخصاً همزمان با دوره پادشاهی خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ م.) بدانیم. این آثار عبارتند از «بنای ساسانی - ایلخانی»، «فرهادتراش»، «پل خسرو» و «پل بیستون» که به آنها باید سه قطعه سرستون منقوش به نیم تنه خسرو دوم را نیز افزود. نکته حائز اهمیت در مورد این آثار این است که شواهد به دست آمده از کاوش‌ها و بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که کار اجرایی همه این پروژه‌ها به یکباره متوقف شده و این آثار هیچگاه در دوران ساسانی تکمیل نشده‌اند، که از جمله آنها می‌توان به شواهدی دال بر عدم اجرای طاق روی دهانه‌های پل خسرو و پل بیستون، تکمیل نشدن تراش نهایی فرهادتراش، و یا ساخته نشدن فضاها در کاخ دوره ساسانی اشاره نمود. در این مقاله کوشش می‌شود با توصیف و مقایسه این آثار و پیشنهاد یک تاریخگذاری نسبتاً دقیق برای آنها، دلایل احتمالی ناتمام ماندنشان ارزیابی گردد.

واژگان کلیدی: بیستون، دوره ساسانی، خسرو دوم، بنای ساسانی - ایلخانی، فرهادتراش، پل خسرو، پل بیستون، سرستون.

درآمد

و تهدید روزافزون مرزهای شرقی توسط اقوام بیابانگرد همچون هون‌های سفید و هیتالیان را از دلایل عمده آن ذکر کرده‌اند (شپیمان، ۱۳۸۳؛ ۴۵-۴۸). شواهد باستان‌شناختی، حکایت از ساخت و سازهای زیادی، در طول دوره پیش گفته در غرب کشور دارد، از جمله بنای ساسانی موسوم به معبد آناهیتا در کنگاور^۱، ساخت و سازهای ساسانی بیستون، نقش برجسته‌های اردشیر دوم، شاپور دوم و سوم و خسرو دوم در طاق بستان و

با مطالعه متون و گزارش‌های مورخان و جغرافی دانان ایرانی، عرب، غربی و شواهد باستان‌شناختی موجود، می‌توان به اهمیت مناطق غربی سرزمین کنونی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی، به ویژه در اواخر دوره ساسانی پی برد. از اواسط قرن چهارم میلادی، کانون قدرت سلسله ساسانی از فارس به غرب کشور منتقل شد که کاستن از قدرت روزافزون موبدان زرتشتی

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد یکی از نگارندگان (مجتبی

چرمچیان) با عنوان «تحلیل باستان‌شناختی آثار ناتمام ساسانی بیستون» است.

Email Address: mojtaba.charmchian@gmail.com

بیستون به حساب آورد که آگاهی‌های مهمی از هنر دوره ساسانی در اختیار می‌گذارند (لوشای، ۱۳۴۴؛ ۴۸). همچنین در جریان کاوشهای سال ۱۳۸۷ در بنای ساسانی - ایلخانی بیستون، قطعه سنگی به شکل یک هرم مربع القاعده معکوس، در فاصله حدود ۷۲ متری از دیوار جنوبی به دست آمده، که به نظر می‌رسد قرار بوده به سرستونی مشابه سرستونهای پیش گفته تبدیل گردد، اما کار ساخت آن نیز ناتمام باقی مانده است. در مورد بناهایی که این سرستونها به آنها تعلق دارند، اطلاعات اندکی در دست است و تاکنون به جز بنای ساسانی بیستون، پاسخی در مورد مکان یابی جغرافیایی این بناها نیافته ایم (رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸).

برای نخستین بار، فلاندن و گُست در ۱۸۴۰ م. به وجود دو سرستون نگاره دار در نزدیکی سراب بیستون اشاره می‌کنند. آنها یکی از سرستونها را با حرف «K» و سرستون دیگر را در محلی بین کاخ و فرهادتراش در نقشه پراکندگی آثار بیستون مشخص نمودند (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۶۴؛ Flandin & Coste, 1976: PL.27). سرستون دیگری نیز توسط مان در ۱۹۰۳ در حد فاصل کاخ و فرهادتراش کشف شد (Mann, 1903: 321-327). پژوهش‌های هرتسفلد بر روی این سرستونها در ۱۹۱۰ جزو نخستین نگرشهای علمی به آنهاست. وی نیم تنه شاه نقش شده بر این سرستونها را، با مقایسه نقش این شاه با نقش تاج شاه منقوش در صحنه تاج ستانی ایوان بزرگ طاق بستان و همچنین استناد به نوشته‌های مورخین عرب و ایرانی و نقش تاج خسرو دوم بر روی سکه‌هایش، به علاوه نقش نیم تنه موجود بر روی یک سرستون که از اصفهان کشف شده، به خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ م.) و نیم تنه ایزد منقوش بر وجه دیگر این سرستونها را به الهه آناهیتا نسبت داد (هرتسفلد، ۱۳۸۱؛ Herzfeld, 1920: 112-132؛ ۳۳۹-۳۳۲). پس از آن نیز مطالعات دیگری توسط اِردمان (Erdmann, 1943) و سپس هیأت آلمانی کاوشهای بیستون، بر روی این سرستونها انجام گرفت (لوشای، ۱۳۸۵ ب). سرستون چهارم نیز که به «سرستون ملک قاضی زاده» شهرت دارد، در سال ۱۹۶۳ در اختیار هیأت آلمانی قرار گرفت و چهار سال بعد به موزه طاق بستان انتقال یافت. سرستون مذکور از سنگ آهک روشن ساخته شده و در

آثاری دیگر که تا خاک کشور کنونی عراق نیز به طور پراکنده دیده می‌شوند. وجود این آثار مبین این امر است که غرب کشور در اواخر دوره ساسانی مورد توجه بیشتری قرار گرفته بود و با توجه به شواهد باستان‌شناختی موجود، باید بیستون را یکی از مهم ترین مناطق غرب کشور در آن دوره محسوب نمود.

بیستون در ۳۰ کیلومتری شرق شهرستان کرمانشاه واقع شده است. نام بیستون گرفته شده از شکل مفروض «بُغستانه»، «بُغستان»، «بیستان» یا «بهستون» در پارسی باستان، به معنی «جایگاه خدا» یا «یزدانسرای» است، که نشانگر اهمیت و تقدس آن در طول دوران مختلف تاریخی است (آذرننگ، ۱۳۷۵) (نقشه ۱). شواهدی از دوران ساسانی در بیستون، به دست آمده که خبر از پروژه‌های بزرگی در این منطقه می‌دهد. آنچه در پی می‌آید معرفی مهمترین این شواهد است که عبارتند از: شماری سرستون نگاره دار، کاخی از دوره ساسانی که در دوره ایلخانی به یک کاروانسرا تبدیل شده و به «بنای ساسانی - ایلخانی» موسوم است، صخره تراش خورده کوه بیستون موسوم به «فرهادتراش»، پلی بر روی رودخانه گاماسیاب موسوم به «پل خسرو» و پلی دیگری بر روی رودخانه دینورآب موسوم به «پل بیستون». مقاله حاضر در پی آن است که رابطه احتمالی میان این ساخت و سازه‌ها را ارائه نماید، آثاری که به همراه نقش برجسته های اردشیر دوم، شاپور دوم و سوم و خسرو دوم، شکارگاه خسرو در طاق بستان و آثاری چند در خاک کشور کنونی عراق، گفته های مورخین و محققین در مورد انتقال کانون قدرت از فارس به غرب ایران - از قرن چهارم میلادی به بعد - را تأیید می‌نمایند.^۲

سرستون‌های ساسانی بیستون

دوازده سرستون ارزشمند دوره ساسانی از سرتاسر استان کرمانشاه به دست آمده که بیانگر وجود بناهای متعددی از اواخر این دوره در منطقه است (مرادی، ۱۳۸۲؛ ۲۳). چهار قطعه از این سرستونها در بیستون کشف شده است. در واقع این سرستونها را باید پس از کتیبه داریوش، از مهمترین یافته های

۲- در مورد انتقال کانون قدرت برای نمونه بنگرید به: فرای، ۱۳۸۳؛ هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۱.

ساختمانی به انجام می‌رسیده است (رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸) (تصاویر ۷-۸).

بنای ساسانی - ایلخانی

این بنا در ۲۵۰ متری جنوب سراب بیستون، در دامنه شرقی کوه و درست در زیر فرهادتراش واقع شده است. پژوهش‌های انجام گرفته تا به امروز نشان می‌دهد که این بنا دارای ابعادی در حدود $۱۳۹ \times ۸۳/۷۵$ متر است و از دو بخش شرقی و غربی تشکیل یافته که بخش غربی با عنوان فضای A و بخش شرقی نیز فضای B نامگذاری شده است. ابعاد فضای A در حدود $۸۳/۷۵ \times ۶۰$ متر (رهبر، ۱۳۸۰: ۲۰) و ابعاد فضای B در حدود $۸۳/۷۵ \times ۷۹/۰۲$ متر است (کلایس، ۱۳۸۵: ج: ۱۸۹) (تصویر ۹).

نخستین اشارات به این بنا، در نوشته فلاندن و گُست (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۶۴؛ Flandin & Coste, 1976: PL.27) مشاهده می‌شود. آنها که در ۱۸۴۰ از بیستون بازدید کرده بودند، با ارائه طرح‌هایی محل کشف دو سرستون ساسانی - که پیش از آن در اطراف سراب بیستون شناسایی شده بود - و دیگر آثار باستانی بیستون را مشخص نمودند.^۳ پس از آنان ماکسیم سیرو از بیستون دیدن کرد و ضمن تهیه نقشه‌ای از این بنا، آنرا کاروانسرای متعلق به دوره ساسانی با دو دوره ساخت و ساز معرفی نمود (سیرو، ۱۳۵۷: ۷۶). مان نیز در ۱۹۰۳ از این محل دیدن کرده و در نزدیکی این بنا توانست سومین سرستون را که بعداً به طاق بستان انتقال یافت، کشف نماید (Mann, 1903). بعدها هیأت باستان‌شناسی آلمانی به سرپرستی لوشای نیز که کاوش‌های خود را طی یک برنامه پنج ساله از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ در بیستون متمرکز کرده بودند (کلایس، ۱۳۸۵: ج: ۱۸۷) برای نخستین بار کاوش‌هایی را در این بنا انجام دادند که گزارش آن نخستین بار در نشریه فرهنگ ایران باستان به چاپ رسید (لوشای، ۱۳۴۴). لوشای و کلایس دلیل اصلی حضور هیأت آلمانی در بیستون را مشخصاً یافتن کاخ یا پرستشگاهی

زمره سرستونهای بدون تزئین ساسانی است و به اعتقاد لوشای نمی‌تواند در اوایل دوره اسلامی ساخته شده باشد (لوشای، ۱۳۸۵: ب: ۱۳۰).

بیشتر سرستونهایی که امروزه در موزه طاق بستان نگهداری می‌شوند از شهر کرمانشاه به دست آمده‌اند. این سرستونها - چه آنهایی که از بیستون کشف شده‌اند و چه آنهایی که از سایر نقاط استان کرمانشاه به دست آمده‌اند - تقریباً به یک شکل و قابل مقایسه با یکدیگرند. همه آنها از سنگ آهک روشن ساخته شده و دارای ابعادی بین $۶۹ \times ۶۵ \times ۶۵$ تا $۹۴ \times ۹۱ \times ۹۱$ سانتی متر هستند. از نظر شکل همگی، با کمی اختلاف، به شکل هرم مربع القاعده معکوسی هستند که با نقوش هندسی، گیاهی و انسانی تزئین شده‌اند (رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸: ۸۶).

پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته تعلق تصویر پادشاه نقش شده بر یک وجه همه این سرستونها به خسرو دوم را ثابت می‌کند. این بازشناسی بر اساس مقایسه نقش تاج پادشاه نقش شده بر سرستونها با نقش تاج خسرو دوم در سکه‌هایش (تصویر ۱) و همگونی نگاره‌های خسرو دوم در ایوان بزرگ طاق بستان (تصویر ۲ و تصویر رنگی ۹) با این سرستونها به انجام رسیده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۲-۳۳۹؛ مرادی، ۱۳۸۲: الف؛ مرادی، ۱۳۸۳؛ مهدی آبادی، ۱۳۸۳؛ لوشای، ۱۳۸۵: ب: ۱۲۹؛ رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸؛ Kleiss, 1968; Bier, 1996; Compareti, 2006) (تصویر ۳). پژوهش‌های انجام شده در زمینه بازشناسی ایزدان تصویر شده بر وجه قرینه نگاره پادشاه در این سرستونها نیز نشان داده است که یکی از آنها ایزد بهرام، دیگری ایزدبانو آناهیتا و نگاره سوم اهورامزدا را نشان می‌دهد (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۲-۳۳۹؛ مرادی، ۱۳۸۳؛ کرماجانی، ۱۳۸۳؛ رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸؛ Erdmann, 1937; 1943; Compareti, 2006) (تصاویر ۴-۶ و تصاویر رنگی ۱۰ و ۱۱). علاوه بر سرستون‌های یاد شده، در غرب کاخ و مشخصاً زیر دیواره تراش خورده موسوم به فرهاد تراش بقایای یک شالی ستون ناتمام به همراه قطعاتی پراکنده از ساقه ستونهایی متعلق به دوره ساسانی توسط هیأت آلمانی کشف شده بود (کلایس، ۱۳۸۵: د: ۳۸۷-۳۸۵)، و این یافته نشان می‌دهد که کار ساخت تمام اجزاء یک ستون نیز در محل و همزمان با دیگر مراحل

۳- باید گفت به گونه‌ای که از طرح‌های آنان پیداست روستای بیستون در آن زمان هنوز شکل نگرفته بود.

۴- در آغاز پژوهش‌های بیستون، لوشای که یکسال پیش از آغاز کاوشها، یعنی در سال ۱۹۶۲ برای بررسی‌های اولیه به بیستون سفر کرده بود، کار خود را با پرس و جو

زمینه آغاز نمود. دو فصل نخست این کاوشها به تخریب خانه‌های روستا اختصاص یافت و اهالی روستای بیستون به شهرک بیستون امروزی در جنوب این محل انتقال یافتند (رهبر، ۱۳۵۵؛ ۱۳۵۷ الف). با آغاز کاوش‌های هیأت ایرانی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶، که بالطبع به دلیل تخلیه روستا و تخریب منازل مسکونی از آزادی عمل بیشتری نسبت به آلمانها برخوردار شده بود، دیوار شمالی بنا به طور کلی مورد خاکبرداری قرار گرفت (رهبر، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴). از یافته‌های مهم فصل ۱۳۵۶ کشف راه‌پله‌ای جهت دسترسی به پشت بام کاروانسرا بود که در گوشه شمال غربی بنا قرار داشت و تنها سه پله از آن باقی مانده بود (رهبر، ۱۳۸۰: ۴۸). همچنین مشخص شد دروازه دیگری درست در مقابل دروازه ضلع شرقی بنا وجود داشته که در دوره ایلخانی مسدود شده و از همه مهم تر اینکه این بنا به سمت غرب نیز امتداد پیدا می‌کند و در واقع از دو بخش شرقی و غربی تشکیل می‌شود (رهبر، ۱۳۵۶). اما شاید بتوان مهمترین یافته‌های دو فصل نخست کاوش را، کشف بخشی از یک شالی ستون ساسانی در اطراف کاخ و قسمتی از یک میان ستون مرمری هم‌دوره با آن از داخل سراب بیستون که سنگ آن با سرستونهای به دست آمده از بیستون از یک جنس است، محسوب نمود (رهبر، ۱۳۵۷ الف: ۱۳). پس از وقوع انقلاب، کاوش در این محل با توقفی نسبتاً طولانی روبرو شد تا اینکه در سال ۱۳۸۷ گمانه‌زنی‌هایی توسط عباس مترجم و با نظارت مهدی رهبر، در بیستون از سر گرفته شد. تمرکز کاوش در این بنا بر روی پیگردی امتداد غربی دیوار شمالی بخش غربی بنا بود که منجر به کشف فضای غربی کاخ با ابعاد $۸۳/۷۵ \times ۶۰$ متر شد (مترجم، ۱۳۷۹). سپس در سال ۱۳۷۹ نیز این گمانه‌زنی‌ها توسط شهین کرماجانی در مجموعه بیستون و از جمله بخش غربی این سازه ادامه یافت که منجر به کشف تعدادی قبور دوره اسلامی بر روی آثار دوره ساسانی شد (کرماجانی، ۱۳۷۹: ۱۰۱-۸۹). یک سال بعد، کاوش‌های مهدی رهبر مجدداً از سر گرفته شد و طی سالهای ۱۳۸۰، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ قسمتهای زیادی از بنا مورد کاوش قرار گرفت و نتایج نسبتاً جامعی در مورد توالی دوره‌های ساخت و ساز این بنا به دست آمد (رهبر، ۱۳۸۰؛ ۱۳۸۶؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸). مهدی رهبر در مورد این بنا دیدگاهی

متعلق به دوره ساسانی بیان کرده و سه سرستون به دست آمده از بیستون را شواهد معتبری مبنی بر وجود آن به شمار می‌آوردند (لوشای، ۱۳۴۴: ۴۶؛ کلایس، ۱۳۸۵ الف: ۱۳). آلمانی‌ها همواره در تمام گزارشهایشان^۵ از این بنا با عنوان «کاروانسرای قدیمی» یاد کرده‌اند (کلایس، ۱۳۴۶: ۴؛ کلایس، ۱۳۸۵ ج: ۲۰۶-۱۸۷). هیأت آلمانی با توجه به شواهد معماری و مواد فرهنگی به دست آمده به خصوص سفال (لوشای شمایسر، ۱۳۸۵) دو دوره متفاوت ساخت و ساز را برای این بنا متصور شد (کلایس، ۱۳۸۵ ج). در واقع اشتباهات متعددی در تاریخگذاری همین سفال-های بدست آمده در بنا، مشاهده درز بین بلوکها که گاهاً با سنگ‌های کوچک و ملاط گچ پُر شده بود و تعداد محدود گمانه‌زنی‌های انجام گرفته، آنها را به این نتیجه رساند که شروع ساخت و ساز این بنا همزمان با دوره آل بویه (قرون ۱۱-۱۲ میلادی) بوده، و با استفاده از مصالح ساختمانی از جمله سنگهای تراش خورده ساسانی که در دامنه کوه بیستون پراکنده است و آجرهایی که در نزدیکی محل بنا ساخته شده‌اند، یک پادگان تدافعی (قرارگاه - رباط) را در کنار جاده کاروانروی قدیمی در پای کوه بیستون ساخته‌اند که فقط دارای دو سالن طویل در دو سوی شمالی و جنوبی ورودی بود. اما متأسفانه هیچ‌گاه دلیل روشنی در توضیح انتساب بنا به دوره آل بویه و آن هم به عنوان یک پست تدافعی ارائه ندادند. به نظر آنان در دوره ایلخانی نیز، که دوره دوم ساخت و ساز در این بناست، آنرا به یک کاروانسرا تبدیل می‌کنند و در نهایت در حدود سال ۱۰۶۰ هجری شمسی یعنی در دوره صفوی جای خود را به کاروانسرای شاه عباسی - که در جنوب همین بنا ساخته شد - می‌دهد (کلایس، ۱۳۸۵ ج: ۱۹۸) (شکل ۱).

پس از اتمام مطالعات هیأت آلمانی در بیستون، لزوم ادامه کاوش‌ها بر روی این بنا مجدداً احساس شد و هیأتی ایرانی به سرپرستی مهدی رهبر از سال ۱۳۵۴، مطالعات خود را در این

از افراد محلی در مورد بقایای دیواری ساخته شده از بلوکهای سنگی تراش خورده که در طرحهای فلاندن و گُست به وضوح دیده می‌شود، آغاز نمود که در نتیجه توانست دیوار شرقی بخش شرقی بنا را که دست کم از ۱۸۴۰ یعنی از زمان بازدید فلاندن از بیستون همواره در معرض دید بوده را ببیند (لوشای، ۱۳۴۴: ۴۸-۴۹).

۵- البته به جز مقاله ۱۳۴۴ لوشای (لوشای، ۱۳۴۴).

(رهبر، ۱۳۸۷: ۲۲۲) (تصویر ۱۲). ورودی شرقی، دارای راهرویی به طول تقریبی ۱۷ متر است و شخص را در بدو ورود به سمت حیاط مرکزی کاخ B هدایت می‌نماید. به عقیده حفّار با توجه به دلایلی از جمله تفاوتی که در نظم و ظرافت و ساختار نمای ضلع شرقی و دیگر بخشها دیده می‌شود، یا سنگهایی سفید که در کف این ورودی کار گذاشته شده و با سنگهای خاکستری نما تضاد رنگ زیبایی را به وجود می‌آورد، این ورودی بدون شک ورودی اصلی کاخ بوده است (رهبر، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۷) (تصویر ۱۳). از کاروانسرای دوره ایلخانی، تا به امروز در مجموع ۶۵ اتاق و راهرو، یک مسجد (نمازخانه)، سگویی ساخته شده از لاشه سنگ دارای حفره ای در وسط با کاربری نامعلوم (رهبر، ۱۳۸۰: ۶۰-۵۷) و بقایای پلکان‌هایی جهت عبور و مرور به پشت بام کاروانسرا به دست آمده است (رهبر، ۱۳۸۰: ۴) (شکل ۲). شواهد نشان می‌دهد احتمالاً در بازه زمانی اندکی پس از ساخت کاروانسرا، زلزله ای شدید به وقوع پیوسته که موجب تخریب آن شده است؛ شواهد این امر را می‌توان در طاق‌های آجری اطاق‌های کاروانسرا، که در اثر فشارهای جانبی به یکباره فرو ریخته‌اند، مشاهده نمود (رهبر، ۱۳۸۰: ۲۴) (تصویر ۱۴ و تصویر رنگی ۱۲). با توجه به موضوع پیش رو، توضیح جزئیات بیشتر در مورد کاروانسرای دوره ایلخانی ضروری نمی‌نماید و تمرکز بحث بر روی ساخت و سازهای دوره ساسانی بنا قرار می‌گیرد.

مطالعات هیأت ایرانی نشان می‌دهد که کاخ A پیش از کاخ B ساخته شده، اما بعداً به هر دلیلی کار ساختمانی آن را ناتمام رها کرده و کار ساخت کاخ B را که پیش از آن در نقشه پیش بینی نشده بود، آغاز نموده‌اند. با توجه به این نکته که در دوره ساسانی معمولاً، پشتبندها را به فواصل معینی در نماهای خارجی ایجاد می‌کردند، برای نمای غربی دیوار غربی کاخ B دو پشتبند فرضی در نظر گرفت که هرگز وجود خارجی نداشته‌اند (ن.ک: کلایس، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۸۸، نقشه ۱). برعکس در نمای شرقی همین دیوار جداکننده دو بخش کاخ، دو پشتبند کشف شده که از نظر درک تقدّم و تأخّر ساخت دو بخش بنا بسیار حائز اهمیت است. بنابراین می‌توانیم به طور قطع اظهار کنیم که کاخ A جزو نقشه ای بوده که در ابتدا مدّ نظر بوده و کاخ B،

متفاوت با آلمانی‌ها دارد؛ به این ترتیب که تنها در زمینه انتساب مرحله دوّم ساخت و ساز یعنی دوره ایلخانی و نیز کاربری آن به عنوان کاروانسرا با هیأت آلمانی موافق است، اما مرحله اوّل ساخت و ساز در این بنا را دوره ساسانی و مشخصاً زمان پادشاهی خسرو دوّم می‌داند و معتقد است که کار ساخت آن هیچگاه به اتمام نرسیده است (رهبر، ۱۳۸۰: ۲۲).

دیوارهای اصلی بنا در هر دو بخش با استفاده از بلوک‌های سنگی در ابعاد تقریبی ۸۰×۸۰ سانتی متر ساخته شده، عرض دیوارهای اصلی بنا معمولاً در حدود ۲۴۰ سانتی متر، عرض پشتبندها حدوداً ۸۰ سانتی متر و ضخامت شالوده به حدود ۳۲۰ سانتی متر می‌رسد (رهبر، ۱۳۸۸: ۳۱) (تصویر ۱۰).

در بخش A، علاوه بر پشتبندهای دو طرفه ای که در چهار گوشه نمای خارجی دیوارها تعبیه شده بود، در دیوار شمالی سه پشتبند، در دیوار غربی پنج پشتبند، در دیوار جنوبی احتمالاً سه پشتبند که همگی در نتیجه ساخت و سازهای دوران معاصر تخریب شده‌اند و در دیوار شرقی، یعنی دیوار جداکننده دو بخش شرقی و غربی کاخ، در داخل اطاق‌های ۳۹ و ۴۰ کاروانسرای ایلخانی، که نمای بیرونی دیوارهای دوره ساسانی است، شواهدی از وجود یک پشتبند و مابین اتاق‌های ۲۶ و ۲۷ نیز آثار یک پشتبند دیگر به دست آمده که ثابت می‌کند کار ساخت بخش A پیش از بخش B آغاز شده بود (تصویر ۱۱). طول هر پشتبند در حدود ۳۰۵ سانتی متر بوده، عرض آنها حدوداً ۷۰ سانتی متر است و هر یک از دیگری در حدود ۱۰/۲ متر فاصله دارند (رهبر، ۱۳۸۸: ۳۸-۲۴). در کاخ B نیز سه پشتبند در ضلع شمالی و سه پشتبند در دیوار جنوبی تعبیه شده است. همچنین در دیوار شرقی بین ضلع شمالی ورودی شرقی و گوشه شمال شرقی بنا دو پشتبند و میان ضلع جنوبی این ورودی و گوشه جنوب شرقی کاخ نیز دو پشتبند تعبیه شده است. بنا دارای دو ورودی است که یکی در میانه ضلع شرقی کاخ B و دیگری در میانه دیوار جداکننده قرار دارند. دروازه غربی عرضی برابر ۳۲۰ سانتیمتر داشته که دو سنگ مکعب شکل تراش خورده، در دو سوی آن کار گذاشته شده است (رهبر، ۱۳۸۸: ۲۶)، کف آن در حدود ۱۳۰ سانتی متر بالاتر از کف حیاط بخش B و نزدیک به ۳۸۵ سانتی متر نیز بالاتر از ورودی شرقی ساخته شده است

برای این بنا ارائه کرده بودند، شدند (رهبر، ۱۳۸۸: ۲۱). یکی دیگر از دلایل اثبات ناتمام ماندن این بنا را می‌توان کشف اجزاء مربوط به ستون‌های دوره ساسانی در بیستون ذکر نمود. تاکنون چهار سرستون منقوش، ساقه ستون و شالی ستون‌هایی از بیستون به دست آمده، اما تاکنون به جز بنای مورد بحث، بنای دیگری در بیستون شناسایی نشده که بتوان این سرستونها را، که با توجه به نقشمایه‌های موجود و ظرافت به کار رفته در ساختمان بدون شک متعلق به بنایی تشریفاتی - حکومتی اند، به آن منتسب دانست (رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸: ۹۰-۸۹).

سنگ های تراش خورده و مصالح ساختمانی

با توجه به نوع تراش و علائم حجّاران موجود بر سطح بلوک‌ها (شکل ۳)، به نظر می‌رسد که آنها را از کارگاه‌های سنگتراشی واقع در حدّ فاصل فرهادتراش تا کتیبه داریوش، که شواهد آنها هنوز هم قابل مشاهده است، استخراج نموده باشند (کلایس، ۱۳۸۵: ج ۱۹۸) (تصویر ۱۵). البته از آنجایی که کار ساخت این بنا پروژه بزرگی بود، حجّاران علاوه بر استفاده از این بلوک‌های سنگی، برای تأمین مصالح به نقاط دورتری که دارای سنگ مناسب بود نیز میرفتند. از آن نمونه می‌توان به کارگاه‌های کشف شده در جاذه سنقر آباد و تپه نادری اشاره نمود که هر یک بیش از سه کیلومتر با کاخ فاصله ندارند و وجود بقایای پراکنده بلوک‌های سنگی تراش خورده در این محل‌ها هم شاهدی بر درستی این مدعاست (رهبر، ۱۳۸۶: ۱۰-۹؛ مرادی، ۱۳۸۱: ۷۴-۶۹). علائم حجّاران موجود بر روی همه بلوک‌های سنگی تراش خورده به کار رفته در بنای ساسانی، همچنین علائم نقش شده بر بلوک‌های تراش خورده‌ای که در سرتاسر دامنه شرقی کوه بیستون، از محل کتیبه داریوش تا انتهای جنوبی دیواره فرهاد تراش، پراکنده است جمع آوری و ثبت شدند. از جمع آوری این علائم نتیجه جالبی به دست آمد و آن اینکه تجمع علائم خاص در یک محدوده، با مکان همجواری متفاوت بود. بنابراین به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که گروه‌های مختلفی از حجّاران، به صورت هم‌زمان به کار گمارده شده بودند (رهبر، ۱۳۵۷؛ رهبر، ۱۳۸۸: ۲). علاوه بر این، چندین قطعه بلوک سنگی که به صورت عمودی قرار

که بعدها تبدیل به کاروانسرا شده، جزء نقشه اولیه نبوده است. اگر غیر از این بود، پشتبندهای فوق - همانگونه که در هیچ دوره‌ای پشتبندها را در نمای داخلی دیوار نمی‌ساختند - در اینجا ساخته نمی‌شدند، زیرا برای کاخ B در همان ابتدا، می‌بایست دروازه‌ای در نظر گرفته می‌شد، با توجه به اینکه بخش غربی دارای شیب تندی است و مناسب این کار نبوده، دروازه این کاخ را در سمت شرق و درست روبروی دروازه غربی ایجاد کردند (رهبر، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۵). در همین محل شواهدی از یک سازه موجود است که فرضیه هیات آلمانی را نقض می‌کند. هیات آلمانی، دیواره جلوی فرهاد تراش را با اطمینان به دوره ساسانی منتسب می‌نماید (لوشای، ۱۳۸۵: ۱۶۹، شکل ۲). در حقیقت با مقایسه چیدمان این دو دیوار، که یکی به دوره ساسانی و دیگری به دوره آل بویه نسبت داده شده، بی‌اعتباری این تاریخگذاری روشن می‌شود. عدم استفاده از این محوطه جهت ساخت و ساز و سکونت در دوره ساسانی به جز چهاردیواری دورتادور بنا، که کار ساختمانی آن تقریباً تا حدّ شالوده و کمی بالاتر انجام گرفته و سپس ناتمام رها شده، محرز است. به بیانی دقیقتر به جز دیوارهای اصلی بنا که از بلوک‌های سنگی تراش خورده ساخته شده اند و دیواری که به موازات دیوار شرقی بنا ساخته شده است (رهبر، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۱۹)، بقیه قسمت‌های به دست آمده از بنا متعلق به دوره ساسانی نبوده و با توجه به شواهد به دست آمده از جمله سفال‌ها، شیوه معماری و اشاراتی که در متون تاریخی به این بخش از بیستون شده، فضاهای موجود در کاخ B، بقایای کاروانسرای دوره ایلخانی است که به دستور سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) (۷۰۳ - ۷۱۶ ه.ق) در سال ۷۱۱ ه.ق، برای رفاه حال زائرانی که قصد عزیمت به عتبات عالیات را داشتند، ساخته شده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۹۵-۱۹۳؛ لسترنج، ۱۳۷۳: ۱۶۵). مهدی رهبر معتقد است عوامل زیادی از جمله عدم درک صحیح آلمانی‌ها در شناخت تکنیک‌های معماری به کار رفته در ساخت این بنا، آنها را دچار اشتباهات فاحشی در تاریخگذاری بنا نمود. آنها دیوار مقابل فرهاد تراش را - به درستی - به دوره ساسانی منتسب دانستند اما با در نظر نگرفتن همگونی‌های تکنیکی در ساخت کاخ و دیوار پیش گفته، به دست خود ناقص تاریخگذاری که

دیوارهٔ صخره استفاده می‌شد. تعداد سگ‌های پیش گفته خود گویای این نکته است که کار تراش صفحه به دست چند گروه کارگاهی به صورت هم‌زمان به انجام می‌رسید و به خوبی سطح اولیهٔ صخره پیش از شروع حجاری فرهاد تراش را نشان می‌دهند (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳: ۶-۵) (تصویر ۱۶ و تصویر رنگی ۱۳). در حدود ۷۰ سانتی‌متر بالاتر از سطح شمالی‌ترین سکو، نقش برجستهٔ صورت یک زن به چشم می‌خورد که از لحاظ فرم چهره، با نمونه‌هایی همچون، نقش صورت یک زن از کیش در بین‌النهرین متعلق به قرن پنجم میلادی، چهرهٔ فرشتگان تصویر شده بر بالای قوس ایوان بزرگ طاق بستان و یا صورت آن‌ها در صحنهٔ تاج ستانی خسرو پرویز در همان محل، قابل مقایسه است و با توجه به این شباهت‌ها می‌توان دورهٔ ساسانی را برای زمان خلق این اثر پیشنهاد نمود (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳: ۱۴-۱۱) (تصویر ۱۷ و تصویر رنگی ۱۴).

در دامنهٔ این دیوارهٔ تراش خورده، یک تراس خاکی - سنگریزه ای ایجاد شده که تا حدود ۸۰ متری دیواره ادامه یافته و با شیبی تند به فرودی ۱۰ تا ۱۵ متری می‌رسد. در جلوی این تراس، دیواری متشکل از قطعه سنگهای تراش خورده، لاشه سنگ‌های مستطیل شکل و ملات ساروج با بیشینه ارتفاع باقیمانده ای در حدود ۳/۵ تا ۴ متر به چشم می‌خورد که بسیاری از بخشهای آن تخریب شده است. فاصلهٔ این دیوار تالیهٔ سکوی جلوی دیواره ۵۶/۵ متر و تا خود سطح صخره در حدود ۱۴۴ متر است. کاوش‌های انجام گرفته بر روی آن نشان داد که دیوار مذکور ظاهراً در طرفین ناتمام رها شده است (شکل ۵). این دیوار پشتیبان، از لحاظ سبک و تکنیک ساخت قابل مقایسه با ساختار بخش غربی ایوان بزرگ آتشگاه در مجموعهٔ تخت‌سلیمان (شیر)، بیشاپور و فیروزآباد (مرکز تخت نشین) است و می‌توان آنرا به دورهٔ ساسانی منتسب نمود (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳: ۸) (تصویر ۱۸ و تصویر رنگی ۱۵). در سرتاسر قسمت فوقانی این اثر کانالی حجاری شده که در لبهٔ داخلی آن زائده‌هایی جهت مهار داربست‌ها تعبیه شده است. ردّ ضربات هلالی شکل تیشه نیز که بر سطح صخره تراش خورده قابل مشاهده است، نشان می‌دهد که روند کار تراش صخره از بالا به پایین پیش می‌رفت و در بالای آن یک پیش‌آمدگی قوس دار

گرفته بودند، از روی تپهٔ موسوم به «K» در کنار سراب به دست آمده که بر روی سه تا از آنها به خط پهلوی ساسانی واژه «مزداکرت» نقش بسته بود (Flandin & Coste, 1976: PL.39؛ لوشای، ۱۳۸۵: ج: ۱۳۸-۱۳۹). واژهٔ مزداکرت به معنی "ساختهٔ اهورامزدا" است و این احتمال وجود دارد که در دورهٔ ساسانی، «بغستان» به «مزداکرت» تغییر نام داده باشد (رهبر، ۱۳۸۶: ۵۸) (شکل ۴).

فرهاد تراش

صخره تراش خوردهٔ بیستون موسوم به فرهاد تراش در واقع بخشی از کوه بیستون است که در حدود سیصد متری جنوب کتیبه و نقش برجستهٔ داریوش اول واقع شده که در بین مردم به فرهاد تراش، فراتاش، فرای تاش و تخت فرهاد معروف است (گلزاری، ۱۳۵۷: ۳۷۸). تنها یک فصل عملیات کاوش، پیرامون این اثر انجام گرفته است. هیأت آلمانی به سرپرستی لوشای در ۱۹۶۳ بر روی دیوار پشتیبان واقع در پائین دست صخره تراش خورده، کاوشهایی را انجام دادند تا به ابعاد این دیوار پشتیبان دست پیدا کنند. زالتس مان نیز در ۱۹۶۵ بررسی‌های بیشتری را بر روی کانال حجاری شده در بالای صخره تراش خورده به عمل آورد (لوشای، ۱۳۸۵: ۱۷۰). همچنین محققان دیگری از جمله ادوارد میتفورد در ۱۸۹۴ (Mitford, 1894)، ژاک دمورگان در ۱۸۹۶ (de Morgan, 1896)، ویلیام جکسن در ۱۹۰۳ (جکسن، ۱۳۶۹)، کینگ و تامسون در ۱۹۰۴ (King & Thompson, 1907)، سر رابرت کرپورتر در ۱۹۲۲، اریخ اشمیت در ۱۹۵۰، علیرضا شاپور شهبازی در ۱۳۵۳ (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳) و بسیاری دیگر از این اثر بازدید به عمل آورده و کم و بیش در مورد آن مطالبی نوشته‌اند.

دیوارهٔ مورد بحث، طولی در حدود ۲۰۰ متر و ارتفاعی در حدود ۳۶ متر دارد که بزرگترین صخره تراش خورده در ایران است و نظیر آن با این ابعاد و کیفیت تراش در هیچ جای دیگر کشور مشاهده نشده است (لوشای، ۱۳۸۵: ۱۶۸). در هر دو سمت این صفحه تراشیده شده، چند ردیف سگوی پله دار نامنظم کنده شده که تا حدود ۱۰ متر درازا و نزدیک به ۲ متر پهنا دارند و از آنها به عنوان چیزی شبیه به نردبان برای تراشیدن

رسته (۱۸۹۱: ۱۶۷)، یاقوت در معجم البلدان (۱۳۸۰: ۶۶۲)، حمدالله مستوفی در نزهة القلوب (۱۳۶۲: ۱۹۰)، ابن حوقل در صورة الارض (۱۳۴۵: ۱۱۶-۱۱۵) و بسیاری دیگر از نویسندگان دوران اسلامی نیز این اثر را به وضوح متعلق به پادشاهان ساسانی دانسته‌اند. میتفورد معتقد است که این صفحه تراش خورده در واقع نقش یک پشتیبان را برای بنایی بزرگ (!؟) ایفا می‌کرد (Mitford, 1894: 162)، دمورگان، فرهادتراش را اثری ناتمام دانسته و معتقد است که آنرا برای نقر یک کتیبه بسیار بزرگ در نظر گرفته بودند که شاید قرار بود بیانگر تمامی رویدادهای تاریخ ایران باشد (de Morgan, 1896: 295). کینگ و تامسون این اثر را محلی دانسته‌اند که قرار بود کاخی متعلق به شاه ساسانی بر آن تکیه (!؟) بزند (King & Thompson, 1907: p.XXVI)، هر تسفلد این اثر را متعلق به دوره هخامنشی می‌داند (Herzfeld, 1920: 17). شاپور شهبازی آنرا اثری ناتمام متعلق به اواخر دوره ساسانی معرفی می‌کند که از سنگهای جدا شده از آن نیز به عنوان مصالح استفاده می‌شد (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳) و پژوهشگران دیگر نیز با او هم عقیده‌اند (لوشای، ۱۳۸۵؛ رهبر، ۱۳۸۶: ۷-۹). همانگونه که مشاهده شد با توجه به شواهد باستان‌شناختی موجود از جمله ساختار دیوار پشتیبان که ناتمام مانده است، بلوک های تراش خورده دارای علائم حجّار که در اطراف فرهادتراش پراکنده است و شالی ستون و ساقه ستون های فروافتاده در زیر دیوار پشتیبان، فرهادتراش را نیز باید اثری دیگر از دوره ساسانی دانست که کار ساخت آن ناتمام رها شده و پس از ورود اسلام به ایران نیز - احتمالاً به علت اینکه صورتگری در صدر اسلام توسط شارع، حرام اعلام شده بود- هیچ اقدامی در راستای تکمیل و ایجاد نگاره بر سطح آن، صورت نگرفته است.

پل خسرو

پل خسرو بر روی رودخانه گاماسیاب، در دو کیلومتری جنوب غرب شهر بیستون و در شمال شرق بنای ساسانی - ایلخانی، ساخته شده به طوریکه فرهاد تراش، کاخ و پل - در جهت محور طولی اش - با هم تقریباً در یک راستا قرار گرفته‌اند. این اثر در جهت شرقی - غربی ساخته شده و بر سر راه بیستون به تخت

ایجاد شده که در حدود ۲/۵ متر جلوتر از سطح صفحه تراشیده شده است و در حقیقت همانند یک سقف عمل می‌کرد (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳: ۵) (تصویر ۱۹).

در کاوش‌های هیأت آلمانی از محدوده شرقی تراس و در نزدیکی دیوار پشتیبان قطعه سفال‌هایی به رنگ قرمز متمایل به قهوه‌ای، دارای پوشش گلی مات و کیفیت ساخت نیمه ظریف به دست آمدند که به عقیده کاوشگران متعلق به دوره پارت - ساسانی هستند^۶ (لوشای، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۷۰). با توجه به اثر شیارهای مخصوص قرار دادن گوه‌های چوبی که بر روی سنگ‌های فرو افتاده در زیر صفحه تراشیده شده دیده می‌شود، به نظر می‌رسد که برای برش سنگ از سطح صخره، از شیوه گوه‌های مرطوب و باد کرده استفاده شده باشد^۷ (تصویر ۲۰). در دامنه بخش شرقی دیوار پشتیبان بقایای یک شالی ستون ناتمام که می‌تواند شاهدهی بر توقف ناگهانی یک پروژه بزرگ ساختمانی در بیستون باشد، مورد شناسایی قرار گرفت. این شالی ستون از سنگ آهکی خاکستری رنگ ساخته شده و ابعاد آن در حدود ۱۰۰×۹۰×۳۵ سانتی‌متر بوده است (کلایس، ۱۳۸۵: ۳۸۶-۳۸۵). همچنین در نزدیکی این شالی ستون بقایای یک ساقه ستون فرو افتاده نیز به دست آمد که جنس سنگ آن دقیقاً مانند جنس سنگ شالی‌ستون ناتمام، سنگ‌های بکار رفته در بنای کاخ، سنگ‌های به کار رفته در ساخت دیوار پشتیبان و دیگر سنگ‌های پراکنده در محوطه است (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۸۸: ۸۵).

در مورد قدمت این اثر تاکنون نظرات متفاوتی، از سوی جغرافی دانان، سفرنامه نویسان و محققان داخلی و خارجی ارائه شده است. برای نمونه برخی از نویسندگان مسلمان مانند ابن

۶- البته ذکر این نکته ضروری می‌نماید که با توجه به اشتباهاتی که آلمانی‌ها در تاریخگذاری سفال‌های بنای ساسانی - ایلخانی داشتند و در نتیجه همین اشتباهات آنرا پستی تدافعی مربوط به دوره آل بویه معرفی کردند، می‌توان تاریخگذاری نسبی سفال‌های به دست آمده از محدوده شرقی تراس خاکی را نیز مورد تردید قرار داد.

۷- به این ترتیب که شکاف‌های طبیعی موجود در صخره را عمیق‌تر کرده و یا در صورت لزوم با استفاده از کلنگ‌های آهنی شکافی در سنگ ایجاد می‌نمودند، سپس گوه‌های چوبی را که برای این کار آماده شده بود در داخل شکافهای مذکور فرو کرده و به مرور آنها را مرطوب می‌نمودند. به این ترتیب گوه‌ها اصطلاحاً باد کرده و همین افزایش حجم موجب افزایش طول شکاف‌ها و در نهایت جدا شدن قطعات بزرگ سنگ از صخره می‌شد. پس از این مرحله نوبت به پرداخت سنگ در سطح مورد نظر می‌رسید.

آترا می توان آخرین جزء باقی مانده از ساختار پل دانست (کلایس، ۱۳۸۵:ب: ۱۵۲).^۹

سطح همه پایه های محفوظ مانده پل در یک ارتفاع قرار دارند که می تواند دلیلی بر این مدعا باشد که کار ساخت دهانه های طاقدار پل هیچگاه به اتمام نرسیده است (Luschey, 1990: 294). در کاوش های پل خسرو، شواهدی از آوار آجر یا حتی یک قطعه سنگ گوه شکل طاق دهانه های پل هم به دست نیامد و به همین دلیل نباید انتظار داشته باشیم کار ساخت این سازه به پایان رسیده باشد. البته احتمال وجود گذرگاه و خرپاهای چوبی برای آن نیز مردود نیست (کلایس، ۱۳۸۵:ب: ۱۵۳-۱۵۲).

علاوه بر این، مقایسه تکنیک معماری به کار رفته در ساخت پل همچون استفاده از ملات ساروج، بست های فلزی، نوع تراش بلوکهای سنگی و علائم حجاران ساسانی، و علاوه بر همه اینها توجه به این نکته که ریشه یابی نام محلی این آثار فرهاد تراش و پل خسرو- اشاره به پادشاهی دارند که می دانیم علاقه زیادی به ساخت و ساز داشت و ما را بر این می دارد که پل خسرو را نیز اثری ناتمام از پروژه های خسرو دوم در بیستون بدانیم. همچنین با توجه به مشاهده توده سنگهای متراکم بین پایه ها و تشکیل سگوی سنگفرش سراسری در کف رودخانه و همچنین شواهدی از وجود یک پشته خاکریز در جنوب شرق پل و دیواری به طول ۱۱۰۰ متر در کرانه شرقی گاماسیاب که آنها را نیز باید متعلق به دوره ساسانی دانست؛ باید گفت که پل خسرو بخشی از سد ساسانی ناتمام بیستون را تشکیل می دهد (کلایس، ۱۳۸۵:ب: ۱۵۸-۱۵۵). این پل - بند از جهت ساختار با پل والرین (بند شادروان) در شوشتر (کلایس، ۱۳۸۵:ب: ۱۴۹)، بند درودزن فارس (حدود قرن ششم پ.م)، بند بهمن در نزدیکی کوار در فارس، پل - بند امیر در فارس، بند کوار بین قم و کاشان، پل - بند شهرستان یا سی و سه پل و سد ساوه (معماربان، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۶) قابل مقایسه است. قسمت میانی پایه های پل خسرو، با قله سنگ و ملاط آهک پُر شده است که این روش چیدمان در پایه ها را می توان با پل بیستون

شیرین قرار دارد (تصویر ۲۱). نخستین بازدید مطالعاتی از پل خسرو توسط فلاندن انجام گرفت و او این اثر را به دوره ساسانی منتسب نمود (فلاندن، ۱۳۵۶: ۲۱۰). پس از وی راولینسون نیز از بقایای پل خسرو بازدید کرده و آن را متعلق به دوره ساسانی دانست (Rawlinson, 1839: 114). کاوش های انجام گرفته بر روی این پل، محدود به یک فصل گمانه زنی در سال ۱۹۶۷ توسط هیأت آلمانی کاوشهای بیستون، در اطراف این اثر است. حاصل این کاوش ها به دست آمدن دو پایه از ۹ پایه پل بود که تا آن زمان در زیر ماسه های حاشیه رودخانه مدفون شده بودند (Luschey, 1990: 294).

این پل با طولی برابر با ۱۵۲/۸ متر، دارای ۱۰ پایه و ۹ دهانه است.^۸ در ساخت پایه ها نظم زیادی رعایت شده و هریک از آنها ۷/۲ متر عرض و ۱۴/۳ متر طول دارند، همچنین هر یک از دهانه های پل دارای عرضی برابر با ۸/۸ متر هستند (کلایس، ۱۳۸۵:ب: ۱۴۹) (تصویر ۲۲، شکل ۶). پایه های پل از سنگ های تراش خورده و قواره شده در ابعاد ۸۰×۸۰ سانتی متر و دارای علائم حجّار (شکل ۷) بوده و با توجه به مشاهده توده سنگهای متراکم که بین پایه ها قرار دارند به نظر می رسد بر روی یک سگوی سنگفرش سراسری، بنا شده اند. این پایه ها، به شکل شش ضلعی اند و هریک سه بخش دارند؛ یک بخش مستطیل شکل که هسته مرکزی آن با لاشه سنگ های بزرگ و کوچک و ملات آهک پُر شده، در وسط قرار گرفته و در دو جهه شمالی و جنوبی پایه دارای دو آبشکن مثلث شکل است که قاعده ای هم عرض بخش میانی پایه دارند. برای اتصال بلوک های سنگی به یکدیگر از بست های دُم چلچله ای آهنی در سطح رویه بلوکها و بستهای سربی در قسمت میان دو بلوک استفاده نموده اند. امروزه از این بستهای آهنی اثری برجای نمانده و به نظر می رسد به عمد از جایشان کنده شده اند (تصویر ۲۳). در قسمت فوقانی پایه های ۳، ۵، ۶، ۷ و ۸ یک ساختار مستطیل شکل با طولی در حدود ۵ متر مشخص شده که

۸- مطالعات اخیر نشان داد که سازه مذکور دارای ۳ دهانه دیگر نیز بوده که - قاعدتاً به مرور زمان و به دلیل رسوب گذاری جریان رودخانه - مدفون شده بودند و مطالعات ژئوفیزیک صورت گرفته در اطراف پل، محل دقیق آنها را مشخص نموده است (مهندسین مشاور صحرا کاو، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

۹- در سال های اخیر، معبری فلزی بر روی پایه های سنگی پل، برای عبور افرادی که قصد تردد به روستاهای تخت شیرین و سرماج را دارند، تعبیه شده است که خود این مسأله بدون شک در تسریع روند تخریب پل، بیش از هر چیزی، تاثیر گذار است.

ادیب الملک اشاراتی به آن شده است (ادیب الملک، ۱۳۶۴: ۴۵). پس از وی نیز ناصرالدین شاه قاجار (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲: ۵۹)، فلاندن (فلاندن، ۱۳۵۶: ۱۶۴) و سیر هنری بایندر (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۲۵) هر کدام اشاره مختصری به این پل داشته‌اند. اشارات موجود در دو سفرنامه آخر با موقعیت پل بیستون مطابقت دارد اما نکته ای که در آنها وجود دارد این است که در آن زمان یکی از دهانه‌های پل در زیر خاک پنهان بود (مرادی، ۱۳۸۰ الف: ۶). اشارات مشابه دیگری نیز در سفرنامه‌های چند سیاح اروپایی به این پل شده است (اولناریوس، ۱۳۶۳: ۳۴۲-۳۴۰؛ دلاواله، ۱۳۷۰: ۱۵۱-۱۵۰).

گلزاری در ۱۳۵۱ ضمن بازدید از این پل و ارائه توضیحاتی فنی در مورد ساختار آن به عنوان یک پل صفوی از آن یاد می‌کند (گلزاری، ۱۳۵۷: ۴۰۴). امروزه دینورآب از زیر چهار دهانه این پل عبور می‌کند و آخرین کاوش‌ها نشان داده است که پل مذکور دهانه‌های دیگری نیز داشته که در دوره‌های مختلف مسدود شده‌اند و تا به امروز شش دهانه پل مورد شناسایی قرار گرفته است (خان‌مرادی، ۱۳۸۷: ۷).

این پل طی دو فصل در سال‌های ۱۳۸۰ (مرادی، ۱۳۸۰ الف) و ۱۳۸۱ (مرادی، ۱۳۸۱) به سرپرستی یوسف مرادی و یک فصل در سال ۱۳۸۷ به سرپرستی مژگان خان‌مرادی (خان‌مرادی، ۱۳۸۷) مورد کاوش قرار گرفت که در مجموع نتایج ارزشمندی دربر داشت (شکل ۸). تا پیش از انجام کاوش‌های باستان‌شناختی بر روی این پل تعداد پنج پایه پل شناسایی شده بود. پایه‌های این پل نیز - به مانند پل خسرو - دارای پلان شش ضلعی بوده و هریک از سه قسمت تشکیل می‌شود؛ قسمت میانی به شکل مکعب مستطیل بوده و همانند پایه‌های پل خسرو در دو سو دارای دو آبسکن مثلثی شکل است. قسمت داخلی پایه‌ها با قلوه سنگ و ملاط گچ پر شده و در روکار آنها از بلوک‌های سنگی تراش خورده که به شیوه چفت و بست بر روی هم سوار شده‌اند، استفاده شده است (تصویر ۲۶). به نظر می‌رسد این بلوک‌های سنگی از معادن سنگ موجود در تپه نادری و دامنه کوه بیستون (حد فاصل فرهاد تراش تا کتیبه داریوش) به اینجا آورده شده باشند (مرادی، ۱۳۸۰ الف: ۱۲-۱۱).

پایه‌های این پل از نظر پلان قابل مقایسه با پایه‌های پل

(خان‌مرادی، ۱۳۸۷: ۶۷) و پل - بند ایوان کرخه یا پای پیل (چگنی، ۱۳۷۸: ۷۸) مقایسه نمود. سطح بیرونی بلوک‌های سنگی پایه‌ها بسیار صاف و هموار شده و دارای علائم حجاران ساسانی هستند که علائم موجود بر روی آنها (ن.ک: کلایس، ۱۳۸۵ ب: ۱۵۱، شکل ۶) را نیز برای نمونه می‌توان با علائم موجود بر روی بلوک‌های به کار رفته در ساخت بنای ساسانی - ایلخانی (رهبر، ۱۳۵۷ ب)، پل بیستون (مرادی، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳) و بنای عظیم کنگاور (کامبخش فرد، ۱۳۷۴: ۲۲۳-۲۰۶) مقایسه نمود.

پل بیستون

پل بیستون در شرق شهر بیستون، در جهت شرقی - غربی و بر روی رودخانه دائمی دینورآب ساخته شده است. این پل بر سر راه قدیم کرمانشاه به صحنه قرار داشته و از طریق جاده بیستون به سنقر قابل دسترسی است. این پل با نام‌های دیگری همچون پل کهنه، پل شاه عباسی، پل صفوی، پل نادرآباد و پل دینورآب نیز شناخته می‌شود (تصویر ۲۴). طول این پل ۱۴۴ متر و عرض آن ۷/۶۰ متر بوده و دارای چهار دهانه باز است که به ترتیب از شرق به غرب شماره گذاری شده‌اند (مرادی، ۱۳۸۰ الف: ۹). بدنه آجری پل در دوره‌های مختلف به ویژه دوره حاکمان حسنویه، دوره ایلخانی، دوره صفوی و دوران متأخر بارها مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است (خان‌مرادی، ۱۳۸۷: ۱). در همه گزارشات و متونی که در رابطه با بیستون نوشته شده، این پل با نام پل صفوی و در ردیف آثار دوره اسلامی معرفی شده است و تصور می‌شد که در دوره صفوی بنا نهاده شده باشد، اما کاوش‌های باستان‌شناختی اخیر نشان داد که پایه‌های پل بیستون در اواخر دوره ساسانی ساخته شده و پروژه ساخت آن همچون سایر بناهای ساسانی بیستون ناتمام مانده است (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۶) (تصویر ۲۵).

در آثار بیشتر مورخان و سیاحان و سفرنامه نویسان ایرانی و خارجی اشاره خاصی به این پل نشده است. کهنترین متنی که به وجود آن اشاره می‌کند یادداشتی است از اولیویه، جهانگردی که در سال ۱۲۱۱ ه.ق یعنی در زمان سلطنت آغا محمدخان قاجار از بیستون دیدن کرده و در مورد این پل توضیحاتی داده است (اولیویه، ۱۳۷۱: ۴۷). سپس در نوشته‌های عبدالعلی خان

۴۰۲) که با اندازه های ارائه شده توسط یوسف مرادی تفاوتی دارد، اما اندازه گیری های کاوشگر به نظر درست تر می رسد.

در کاوشهای فصل دوم، دهانه دوم پل نیز کشف شد. این دهانه دارای ۷/۳۰ متر طول و ۵/۲۰ متر عرض است و ارتفاع آن از سنگفرش زیر دهانه تا پاکار قوس به ۲/۹۰ متر می رسد (مرادی، ۱۳۸۱: ۳۲). همچنین در نتیجه کاوش های فصل سوم نیز دهانه شماره ۱ کشف گردید (خان مرادی، ۱۳۸۷: ۶۵). نتایج مطالعات نشان داد که ساخت این دهانه ها در دوره حسویه تکمیل گردید و در همان دوره نیز، بنا به دلایلی از جمله کم شدن حجم آب رودخانه که ناشی از تغییر شرایط اقلیمی منطقه بوده آنها را مسدود نموده اند (مرادی، ۱۳۸۱: ۴۳؛ خان مرادی، ۱۳۸۷: ۷۹).

احداث پشتبند بر روی پایه ها جهت رفع رانش حاصل از قوس ها محسوب می شود (مخلصی، ۱۳۷۸؛ ۱۱۲) که در این پل به دو شکل متفاوت مشهود است. در نماهای شمالی و جنوبی پل بر روی هر یک از آبشکن ها، پشتبندهای مثلثی شکلی ساخته شده که تا سطح راهروی پل بالا آمده اند (خان مرادی، ۱۳۸۷: ۹). مطالعه بستر سنگفرش شده رودخانه در دهانه شماره ۱ نشان داد ضخامت ملاط آن به ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر می رسد (خان مرادی، ۱۳۸۷: ۶۵) (تصویر ۲۸). شواهدی از وجود یک کارگاه سنگتراشی دوره ساسانی نیز که در پشته ای در شمال شرق پل به دست آمد، از یافته های اطراف پل بود. مطالعه یافته های این کارگاه نشان داد که بلوک های سنگی ابتدا در معدن قواره شده، سپس برای مرحله پرداخت به این کارگاه انتقال می یافتند و پس از پرداخت سطح نما نیز مقاطع سنگ ها تراشیده می شد. همچنین شواهد نشان می دهد که علائم حجاران نیز در همین کارگاه (ها) بر روی بلوک های سنگی حک می شدند (مرادی، ۱۳۸۱: ۷۴-۶۹).

با انجام سه فصل کاوش در پل بیستون، مشخص شد که پایه های آن متعلق به دوره ساسانی است و کار ساخت آنها نیز ناتمام مانده است (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۶؛ خان مرادی، ۱۳۸۷: ۷۰). به طور کلی باید گفت که با توجه به تمامی شواهد و مدارک ارائه شده در بالا از جمله، بلوک های سنگی تراش خورده که دارای علائم حجاران ساسانی هستند، شباهت ساختار معماری در پایه های این پل و پل خسرو از جمله نحوه چفت و بست بلوکها و نوع ملاط

خسرو بیستون (کلیس، ۱۳۸۵: ۱۵۰)، پل شکسته خرم آباد (Kleiss, 1975: 136) و پل بند ایوان کرخه (چگنی، ۱۳۷۸: ۶۱) است. این پایه ها پیشرفت تکنیکی را نسبت به پل های اوایل دوره ساسانی همچون پل فیروزآباد نشان می دهند (Kleiss, 1975: 136). شیوه چیدمان بلوک های سنگی به کار رفته در ساختار پایه ها را می توانیم در بناهایی همچون مجموعه ساسانی تخت سلیمان (مرادی، ۱۳۸۰)، طاق گرا (کامبخش فرد، ۱۳۵۵) و بنای سنگی کنگاور (Azarnoush, 1981) نیز مشاهده نمایم. بر روی برخی از این بلوک های سنگی علائم حجاران ساسانی نقش شده است (مرادی، ۱۳۸۱: جداول ۶ و ۷؛ خان مرادی، ۱۳۸۷: جداول ۲۸ و ۲۹) که می توان آنها را با علامتهای حجاران موجود بر روی دیگر بناها و آثار ساسانی منطقه از جمله بلوک های تراش خورده اطراف فرهاد تراش (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳: ۸)، بنای ساسانی - ایلخانی (رهبر، ۱۳۵۷) و پل خسرو (کلیس، ۱۳۸۵: ۱۵۱، شکل ۶)، همچنین کمی دورتر با بنای معظم کنگاور (کامبخش فرد، ۱۳۷۴: ۲۲۳-۲۰۶)، تخت سلیمان (مرادی، ۱۳۸۰)، پل پلدختر لرستان (پرویز، ۱۳۸۰: ۱۳۲)، شهر گور (شاه محمدپور، ۱۳۸۳)، تخت جمشید و پاسارگاد (کامبخش فرد، ۱۳۸۶) و حتی با قلعه ساسانی دربند قفقاز (شاه محمدپور، ۱۳۸۳) نیز مقایسه نمود. در دومین فصل از کاوشها، کتیبه ای نیز به خط و زبان پهلوی ساسانی که بر روی یکی از بلوک های سنگی پایه هفتم پل حک شده بود، کشف شد اما متأسفانه به علت آسیب وارده، قابل بازخوانی نبود (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۶) (تصویر ۲۷).

تا پیش از شروع کاوشها در سال ۱۳۸۰، چهار دهانه پل قابل رویت بود و همانگونه که پیشتر گفته شد این دهانه ها به ترتیب از شرق به غرب شماره گذاری شده اند. دهانه ششم دارای ۵/۱۰ متر عرض بوده و بلندای آن از کف رودخانه تا تیزی طاق به ۶ متر می رسد. عرض دهانه پنجم ۵/۱۵ متر و ارتفاع آن از کف رودخانه تا تیزی طاق ۶/۳۰ متر است. دهانه چهارم، به عنوان بزرگترین دهانه پل، ۱۱ متر عرض و ۹/۳۰ متر بلندای آن از کف رودخانه تا تیزی طاق است. دهانه سوم نیز دارای ۱۱ متر عرض و ۹ متر ارتفاع است (مرادی، ۱۳۸۰ الف: ۲۱). این چهار دهانه توسط گلزاری نیز اندازه گیری شده اند (گلزاری، ۱۳۵۷: ۴۰۳-۴۰۴).

این گمانه زنی‌ها، یافته‌هایی از قبیل قطعات سفال، قطعات استخوان انسانی و جانوری، سکه و اثر مهر بدست آمد. سفال‌های به دست آمده را از نظر بازه زمانی می‌توان به دو دوره تاریخی (اشکانی - ساسانی) و اسلامی تاریخگذاری نمود. در جریان این کاوش‌ها یک قطعه سگه نقره ساسانی به دست آمد که به علت آسیب وارده به آسانی قابل شناسایی نیست؛ اما گمان می‌رود متعلق به خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م.) و یا خسرو دوم (۵۹۰-۶۲۸ م.) باشد (محمدی قصریان، ۱۳۸۸: ۱۵).^{۱۱} در هر صورت روند مطالعات این محوطه هنوز در حال انجام است و تا پیش از انتشار گزارشات این گمانه زنی‌ها، نمی‌توان در مورد آن اظهار نظری قطعی ابراز داشت. یافته‌های موجود نیز با قاطعیت این اثر را به دوره ساسانی منتسب نمی‌نماید. شاید با توجه به بلوک‌های سنگی پراکنده شده در سطح محوطه بتوان حداقل آنرا یک گارگاه سنگتراشی دوره ساسانی فرض کرد.

علاوه بر این محوطه از مکان‌های دیگری همچون سرماج، شمس آباد و حاجی آباد نیز به عنوان محوطه‌های ساسانی اطراف بیستون نام برده می‌شود (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۴-۴۰۳)، که هر یک شواهد ضعیفی از دوران ساسانی، مانند تعدادی بلوک سنگی تراش خورده را در خود جای داده‌اند.

برآیند

کشف سرستون‌هایی با نقش نیم تنه خسرو دوم، به همراه شالی ستون و ساقه ستون‌هایی در زیر دیواره فرهاد تراش و همچنین بلوک‌های سنگی تراش خورده‌ای که در حد فاصل فرهاد تراش تا کتیبه داریوش و حتی در دامنه برجستگی صخره‌ای نادر آباد بیستون و تخت شیرین و مناطقی در جاده سنقر به چشم می‌خورد، گواهی است بر انجام پروژه‌هایی تشریفاتی - حکومتی متعلق به خسرو دوم در منطقه بیستون. از طرف دیگر دو اثر از آثار ساسانی بیستون یعنی پل خسرو و فرهاد تراش، به نوعی نام این شهریار را یدک می‌کشند که همین نامگذاری را نیز نمی‌توان امری اتفاقی تلقی نمود. تاکنون به غیر از بنای

به کار رفته در آنها یا شباهت در آبشکن‌های هر دو پل، کتیبه ساسانی به دست آمده بر روی یکی از بلوک‌های سنگی پایه ششم پل و شواهد موجود از ناتمام ماندن کار ساخت پایه‌ها، که در دهانه‌های ۱ و ۲ بسیار واضح تر است، این اثر را نیز باید در زمره ساخت و سازهای ناتمام ساسانی بیستون به حساب آورد.^{۱۲}

سایر آثار ساسانی بیستون

محوطه تخت شیرین در ۷ کیلومتری جنوب شرق بیستون واقع شده و رودخانه گاماسیاب از سمت شمال، کوه شیرز از سمت جنوب و کوه گر از سمت غرب این محوطه را در بر گرفته‌اند. دلیل نامگذاری آن به تخت شیرین وجود تخته سنگ عظیم تراش خورده‌ای، یا به تعبیر لوشای یک لوح سنگی عظیم، است که موجب شده مردم محلی آنرا به شیرین معشوقه فرهاد - که داستان‌شان به شدت با باورهای عامیانه ساکنین زاگرس گره خورده است - نسبت دهند. فلاندن از آن به عنوان بقایای قصری یاد می‌کند که به دستور خسرو پرویز برای معشوقه اش شیرین ساخته شده بود (فلاندن، ۱۳۵۶: ۲۱۰) و دموگان نیز با او هم عقیده است (دموگان، ۱۳۳۹: ۹۹). لوشای آنرا ویرانه‌های یک کاخ و آتشکده ناتمام دوره ساسانی معرفی می‌کند که هرچند هنوز بقایایی از آن باقی مانده اما به شکل ویرانه‌ای در آمده که به زحمت می‌توان از آن یک نقشه کلی تهیه نمود (لوشای، ۱۳۸۵: ۴۰۴-۴۰۳). در سطح این محوطه سنگهای تراش خورده فراوانی به چشم می‌خورد و تاکنون از آن به عنوان یک محوطه ساسانی یاد شده است.

این محوطه در سال ۱۳۸۸ توسط ناصر نوروز زاده چگینی مورد مطالعه قرار گرفت و گمانه زنی‌هایی در آن انجام شد. در

۱۰- سپس در دوره حسنویه نسبت به تکمیل پایه‌ها و طاق‌های پل اقدام شد، همچنین دهانه‌هایی از پل را که شاید دیگر در مسیر جریان رودخانه قرار نداشتند، مسدود نمودند. در دوره ایلخانی نیز بازسازی‌هایی بر روی پل انجام شد که شواهدی از کوره‌های آجرپزی که به همین منظور در محل ساخته شده بود در پشته واقع در شمال شرق پل به دست آمد و به نظر می‌رسد همزمان با تخریب بنای ساسانی - ایلخانی، بخش‌هایی از این پل نیز در اثر زلزله تخریب شده باشد (مرادی، ۱۳۸۰: ۵۶). پس از آن در دوره صفویه، همزمان با ساخت کاروانسرای صفوی بیستون به دستور شیخعلی خان زنگنه، بخشهایی از پل مورد بازسازی قرار گرفت. آخرین دوره ساخت و ساز در این پل نیز به زمان حکومت پهلوی اول بر می‌گردد (مرادی، ۱۳۸۱: ۸۷-۸۶).

۱۱- گزارش گمانه زنی‌های محوطه تخت شیرین تاکنون به پایگاه میراث فرهنگی بیستون ارائه نشده است و ناگزیر به گزارش مقدماتی نماینده سازمان ارجاع داده می‌شود.

شیرویه با حمایت جمعی از بزرگان مملکتی، بر علیه پدر شورید و او را به زندان افکند و در نهایت خسرو دوم به سال ۶۲۸ در زندان کشته شد. شیرویه با لقب سلطنتی قباد دوم، فقط یک سال حکومت کرد. از همینجا بود که هرج و مرج و ناامنی در مملکت آغازیدن گرفت (فرای، ۱۳۸۳: ۲۶۷-۲۶۶). مدعیان تاج و تخت یکی پس از دیگری در اقصی نقاط ایران زمین قد علم می کردند به طوریکه، فقط و فقط، با گذشت چهار سال پس از مرگ خسرو پرویز - یعنی از ۶۲۸ تا ۶۳۲ میلادی - ۱۱ نفر با عنوان پادشاه بر تخت سلطنت تکیه زدند. این روند هرج و مرج نیز کم و بیش تا سال ۶۵۲ یعنی فتح ایران به دست اعراب ادامه داشت. بدون شک در این مدت کشور با اوضاع نابسامانی روبرو بوده و در چنین شرایطی حتی اداره امور مملکت و سیاستگذاری های صحیح داخلی و خارجی نیز ناممکن می نماید، چه رسد به تکمیل پروژه هایی ناتمام مانده که بیشتر جنبه تشریفاتی - تبلیغاتی داشتند و وسیله ای برای نوعی نمایش قدرت محسوب می شدند. طبیعتاً پس از فتح ایران توسط اعراب نیز، مدتی زمان لازم بود تا فاتحان جدید زمام کامل امور را به دست بگیرند.

سپاسگزاری

در پایان لازم می دانیم از راهنماییهای ارزنده استاد گرامی جناب آقای مهدی رهبر صمیمانه تشکر نماییم. بی شک این نوشتار بدون راهنمایی ها و هم اندیشی ایشان، راه به جایی نمی برد. از دوست عزیز، سجاد علی بیگی به جهت راهنمایی های سودمندشان و بازخوانی این مقاله بسیار سپاسگزاریم. از مژگان خان مرادی برای کمکهایشان در جمع آوری بسیاری از منابع این پژوهش و همچنین از تمامی کارمندان پایگاه میراث فرهنگی بیستون بویژه سیروان محمدی قصریان و فاطمه پژوهنده برای کمک های ارزنده شان بسیار سپاسگزاری می نماییم.

منابع

الف) فارسی

آذرننگ، غلامحسین، ۱۳۷۵، بیستون، در: *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، صص ۲۰۵-۱۹۷.

ساسانی - ایلخانی، بنای دیگری متعلق به دوره ساسانیان در بیستون یافت نشده که بتوانیم سرستون های نگاره دار به دست آمده از بیستون را به آن متعلق بدانیم. از طرف دیگر با بررسی مدارک معماری حاصل از کاوش در بنای مذکور و مقایسه شیوه معماری به کار رفته در ساخت آن با دیگر بناهای شناخته شده ساسانیان، باید فاز نخست ساخت و ساز در این بنا را دوره ساسانی دانست. نگاهی دقیق به شیوه معماری به کار رفته در ساخت دیوار پشتیبان مقابل فرهادتراش، پل خسرو و پل بیستون و مقایسه این شیوه ها با اسلوب معماری به کار گرفته شده در ساخت بنای ساسانی - ایلخانی نشان می دهد که همه این ساخت و سازها با هم همزمان بوده و تقریباً به یک اندازه پیشرفت کار داشته اند. مجموع این ساخت و سازها، تصویری از یک پروژه بزرگ دوره ساسانی در بیستون را فراروی ما قرار می دهد که همه اجزاء آن دست کم دارای یک نقطه اشتراک هستند و آن اینکه کار ساخت همگی آنها تا پیش از رسیدن به مرحله کاربری متوقف شده است و می دانیم تا پایان عمر امپراطوری بزرگ ساسانی هرگز تکمیل نشده اند. در هر حال به نظر می رسد شاید دلیل اصلی اینکه در فاصله زمانی مرگ خسرو پرویز تا دوره حسنویه^{۱۲} هیچ اقدامی در رابطه با تکمیل ساخت و سازهای ناتمام مانده ساسانی بیستون به عمل نیامد، رویدادهای تاریخی به وقوع پیوسته در این بازه زمانی باشد. نگاهی به تحولات سیاسی اواخر حکمرانی خسرو دوم می تواند در توجیه ناتمام ماندن این ساخت و سازها، راهگشای ما باشد. در سلسله نبردهای خسرو دوم با سپاه روم، پیروزی های ارزشمندی نصیب سپاه ایران شد؛ تا اینکه هراکلیوس نوار این برتری ها را از هم گسست و در سال ۶۲۳ موفق به گشودن شیز شد. پس از کشمکش های فراوان و رد پیشنهادهای صلح رومیان توسط خسرو پرویز، در سال ۶۲۷ نیز بخشی از میانرودان به دست رومیان افتاد و خسرو به سمت تیسفون گریخت. در همین ایام بود که بیماری به سراغ خسرو آمد و در چنین شرایطی روز به روز بر دامنه ناامنی و اعتراضات افزوده می شد.

۱۲- به طوری که پیش از این ذکر شد قدیمی ترین شواهد مبنی بر تکمیل یکی از این ساخت و سازهای ناتمام، در پل بیستون مشاهده شده که مربوط به دوره حسنویه (۳۶۹-۴۰۵ هج) است.

خان مرادی، مژگان، ۱۳۸۷، گزارش سومین فصل کاوش های باستان‌شناختی پل بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

دلاواله، پیتر، ۱۳۷۰، سفرنامه پیتر دلاواله (قسمت مربوط به ایران)، ترجمه شجاع الدین شفا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

دمورگان، ژاک، ۱۳۳۹، جغرافیای غرب ایران، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، تبریز، انتشارات چهر.

رهر، مهدی، ۱۳۵۵، فصلی جدید در کاوشهای باستان‌شناسی بیستون، در: پنجمین گردهمایی سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).

_____، ۱۳۵۶، کاوش‌های باستان‌شناسی بیستون، بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).

_____، ۱۳۵۷ الف، کاوش‌های باستان‌شناسی بیستون و چشمه غلام‌ویس، بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).

_____، ۱۳۵۷ ب، علائم حجاران ساسانی در بیستون، تهران، بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۰، سومین فصل کاوشهای باستان‌شناسی بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۶، چهارمین فصل کاوشهای باستان‌شناسی بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۷، پنجمین فصل کاوشهای باستان‌شناسی بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

ابن حوقل، ۱۳۴۵، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، بی‌جا، بی‌نا.

ابن رسته، ۱۸۹۱، *الاعلاق النفسیه*، لیدن.

ادیب الملک، عبدالعلی خان، ۱۳۶۴، *سفرنامه ادیب الملک به عتبات*، به تصحیح مسعود گلزاری، تهران، انتشارات ابتکار.

اولناریوس، آدام، ۱۳۶۳، *سفرنامه آدام اولناریوس*، ترجمه و حواشی احمد بهپور، تهران، انتشارات ابتکار.

اولیویه، گیوم آنتوان، ۱۳۷۱، *سفرنامه اولیویه (تاریخ اجتماعی، اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجاریه)*، ترجمه محمداطاهر میرزا، تصحیح و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران، چاپخانه اطلاعات.

بایندر، هنری، ۱۳۷۰، *سفرنامه هنری بایندر: کردستان، بین النهرین و ایران*، ترجمه کرامت الله افسر، تهران، انتشارات فرهنگسرای یساوولی.

پرویز، احمد، ۱۳۸۰، *پل و تحول آن در قلمرو ابوالنجم بدر بن حسویه در قرن ۴ هجری قمری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

جکسن، آ. و. ویلیامز، ۱۳۶۹، *سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات خوارزمی.

جوادی، شهره و فریدون آوزرمانی، ۱۳۸۸، *سنگ نگاره های ساسانی*، تهران، انتشارات بلخ با همکاری پژوهشکده نظر.

چگنی، فرهاد، ۱۳۷۸، *تأسیسات آب و آبرسانی از دیدگاه تحقیقات باستان‌شناسی در خوزستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

حیدری بنی، داریوش، ۱۳۷۹، بررسی هیدرولیکی پلهای تاریخی، در: *مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران*، جلد سوم، به کوشش باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران، معاونت حفظ و احیاء سازمان میراث فرهنگی کشور، صص، ۴۳۸ - ۴۲۳.

کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۵۵، بنای سنگی تاق‌گرا، فرهنگ معماری ایران، شماره ۴، صص ۲۴-۴.

_____، ۱۳۷۴، معبد آناهیتا کنگاور: کاوشها و پژوهشهای باستان‌شناسی و بازسازی و احیای معبد ناهید و تاق‌گرا، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

_____، ۱۳۸۶، کاوشها و پژوهشهای باستان‌شناسی و احیاء معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق‌گرا، جلد دوم (گنجینه‌های یافت شده از کاوشها)، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی.

کرم‌جانی، شهین، ۱۳۷۹، گزارش دومین فصل کاوشهای باستان‌شناختی بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۳، معرفی سرستون نویافته‌ای از دوره ساسانی، در: مجموعه مقالات نخستین همایش ایران‌شناسی، هنر و باستان‌شناسی، بنیاد ایران‌شناسی، انتشارات (۱۸)، همایش نامه‌ها (۱۰)، جلد دوم، بنیاد ایران‌شناسی، صص ۱۹۱-۱۷۳.

کلایس، ولفرام، ۱۳۴۶، گزارش تحقیقات باستان‌شناسی در بیستون در ماه مه ۱۹۶۶، بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۵ الف، پیشگفتار، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش ولفرام کلایس و پیتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۱۴-۱۳.

_____، ۱۳۸۵ ب، پل ساسانی و باغ بهشت، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش ولفرام کلایس و پیتر کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۱۶۴-۱۴۳.

_____، ۱۳۸۵ ج، معماری کاروانسرای قدیمی، در: بیستون،

رهبر، مهدی، ۱۳۸۸، ششمین فصل کاوشهای باستان‌شناسی بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

رهبر، مهدی و سجّاد علی بیگی، ۱۳۸۸، سرستون ناتمام (۹) نویافته دوره ساسانی در بیستون، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال اول، شماره دوم، صص ۸۹-۹۱.

سیرو، ماکسیم، ۱۳۵۷، راههای باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها، ترجمه مهدی مشایخی، تهران، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

شاپور شهبازی، علیرضا، ۱۳۵۳، فرهادتراش "یک سنگتراشی عظیم ناتمام از دوران ساسانی در بیستون" «گزارش یک سفر دو روزه»، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).

شاه محمدپور، علیرضا، ۱۳۸۳، علائم حجاری شده بر سنگ‌های تخت سلیمان، در: مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، به کوشش مسعود آذرنوش، صص ۱۵۱-۱۴۱، تهران، سازمان میراث فرهنگی (پژوهشکده باستان‌شناسی).

شیمیان، کلاوس، ۱۳۸۳، تاریخ شاهنشاهی ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشگاه زبان و گویش.

صارمی، عباس، ۱۳۸۷، بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناسی محوطه فرهادتراش بیستون، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر (منتشر نشده).

فرای، ریچارد نلسون، ۱۳۸۳، تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان، در: تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، پژوهش دانشگاه کمبریج، بخش چهارم، گردآورنده: احسان یار شاطر، ترجمه حسن انوشه، جلد سوم - قسمت اول، چاپ چهارم، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، صص ۲۷۶-۲۳۱.

فلاندن، اوژن، ۱۳۵۶، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران، انتشارات اشرافی.

و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۱۳۲-۱۲۹.

لوشای، هاینتس، ۱۳۸۵ج، برکه چشمه و تپه K، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۱۴۲-۱۳۷.

_____، ۱۳۸۵د، صخره فرهاد تراش، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۱۶۷-۱۷۲.

_____، ۱۳۸۵ه، محوطه های باستانی همجوار با بیستون، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۴۱۰-۴۰۳.

لوشای شمایسر، اینگه بورگ، ۱۳۸۵، سفال‌های کاروانسرای قدیمی، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۲۸۴-۲۰۷.

مترجم، عباس، ۱۳۷۹، گزارش فصل اول کاوش در محوطه بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

محمدی قصریان، سیروان، ۱۳۸۸، گزارش گمانه زنی به منظور تعیین حریم محوطه تاریخی تخت شیرین (گزارش مقلّماتی نماینده سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری)، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر نشده).

مخلصی، محمد علی، ۱۳۷۸، پل‌های قدیمی ایران، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.

کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۲۰۶-۱۸۷.

کلایس، و لفرام، ۱۳۸۵د، یادداشت‌های مربوط به گزارش‌ها و یافته‌های دهکده بیستون، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۳۹۴-۳۷۹.

_____، ۱۳۸۵ه، علائم حجّار، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۱۸۵-۱۸۳.

گلزاری، مسعود، ۱۳۵۷، کرمانشاهان - کردستان (شامل بنا و آثار تاریخی اسدآباد، کنگاور و صحنه)، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.

لسترنج، گای، ۱۳۷۳، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

لوشای، هاینتس، ۱۳۴۴، حفريات بیستون، ترجمه کیکاوس جهاناداری، نشریه فرهنگ ایران باستان، شماره ۱ (فروردین ماه)، صص ۵۹-۴۵.

_____، ۱۳۸۵الف، تحقیقات بیستون، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی و ارتباطات اداره کل امور فرهنگی، صص ۲۴-۲۱.

لوشای، هاینتس، ۱۳۸۵ب، سرستون‌های ساسانی، در: بیستون، کاوش‌ها و تحقیقات سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۷، به کوشش و لفرام کلایس و پیتز کالمایر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت فرهنگی

گای لسترنج، تهران، انتشارات دنیای کتاب.

معماریان، غلامحسین (به تقریر دکتر محمد کریم پیرنیا)، ۱۳۸۷،
معماری ایرانی، تهران، انتشارات سروش دانش.

مقدسی، ۱۹۰۶، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، لیدن.

مهدی آبادی، ملیحه، ۱۳۸۳، گزارش پیشنهاد تعیین عرصه و حریم
بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون (منتشر
نشده).

مهندسین مشاور صحرا کاو، ۱۳۸۴، گزارش ژئوفیزیک پل خسرو،
بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث و گردشگری بیستون (منتشر نشده).

ناصرالدین شاه قاجار، ۱۳۶۲، سفرنامه عتبات ناصرالدین شاه قاجار، به
کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات فردوس.

هرتسفلد، ارنست، ۱۳۸۱، ایران در شرق باستان، ترجمه همایون صنعتی
زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یاقوت حموی بغدادی، ۱۳۸۰، معجم البلدان، ترجمه علینقی منزوی،
جلد اول - بخش دوم، تهران، معاونت پژوهشی سازمان میراث
فرهنگی (پژوهشگاه).

Azarnoush, M., 1981, Excavation at Kangavar,
AMI, Vol. XIV, pp. 69-94.

—————, 2009, New Evidence on the
Chronology of the "ANAHITA TEMPLE",
Iranica Antiqua, Vol. XLIV, pp. 393-402.

Bier, C., 1996, Anahid, Iv Anahita in the Arts, in:
Encyclopaedia Iranica, Yarshater, E. (ed.), Vol.
VII, London and New York, Routledge & Kegan
Paul, pp. 1009-1011.

Luschey, H., 1990, Bisotun II. Archaeology, in:
Encyclopaedia Iranica, Yarshater, E. (ed.), Vol.
VII, London and New York, Routledge & Kegan
Paul, pp. 26-291.

Compareti, M., 2006, Iconographical Notes on
Some Recent Studies on Sasanian Religious Art,

مرادی، یوسف، ۱۳۸۰ الف، گزارش اولین فصل پژوهشهای باستان
شناختی پل بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون
(منتشر نشده).

—————، ۱۳۸۰ ب، گزارش اولین فصل کاوشهای باستان
شناختی دروازه شمالی تخت سلیمان، بایگانی مرکز اسناد سازمان
میراث فرهنگی کشور (منتشر نشده).

—————، ۱۳۸۱، گزارش دومین فصل کاوشهای باستان
شناختی پل بیستون، بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون
(منتشر نشده).

—————، ۱۳۸۲، سرستون های نویافته دوره ساسانی در
کرمانشاه: باز شناسی اسب سوار ایوان بزرگ طاق بستان و ایزدان
سرستون های ساسانی، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال هفدهم،
شماره دوم، شماره پیاپی ۳۱، صص ۲۳-۳۶.

—————، ۱۳۸۳، سرستون های نگاره دار دوره ساسانی در
طاق بستان، در: مجموعه مقالات دومین همایش ایران شناسی، هنر و
باستان شناسی، تهران، بنیاد ایران شناسی، صص ۵۶۵-۵۴۸.

مستوفی قزوینی، حمدالله، ۱۳۶۲، نزهة القلوب، به اهتمام و تصحیح

(ب) غیر فارسی

Annali Di Ca' Foscari, Vol. XLV, 3, pp. 163-200.

de Morgan, J., 1896, Mission scientifique en
Perse, Vol. IV, Paris.

Erdmann, K, 1937, Das Datun des Taqi Bustan,
Ars Islamica, Vol. IV, pp.79-97.

—————, 1943, Die Kapitelle am Taqi
Bustan, Zeitschrift der deutschen Orientge
sellschaft, Vol. 80, pp. 1-24.

Flandin, E., & Coste, P., 1976, Voyage en Perse
Pendant les annees 1840- 41, Paris .

Herzfeld, E., 1920, Am Tor Von Asien, Berlin.

Mitford, E. L., 1894, A Land March from England
to Ceylon Forty Years Ago, London.

King, L. W., & Thompson, R. C., 1907, *The Sculptures and Inscriptions of Darius The Great at Behistun in Persia*, London.

Kleiss, W., 1968, Die Sasanidischen Kapitelle Aus Venderni Bei Kamyaran Nordlich Kermanshah, *AMI*, Vol. I, pp. 143-147.

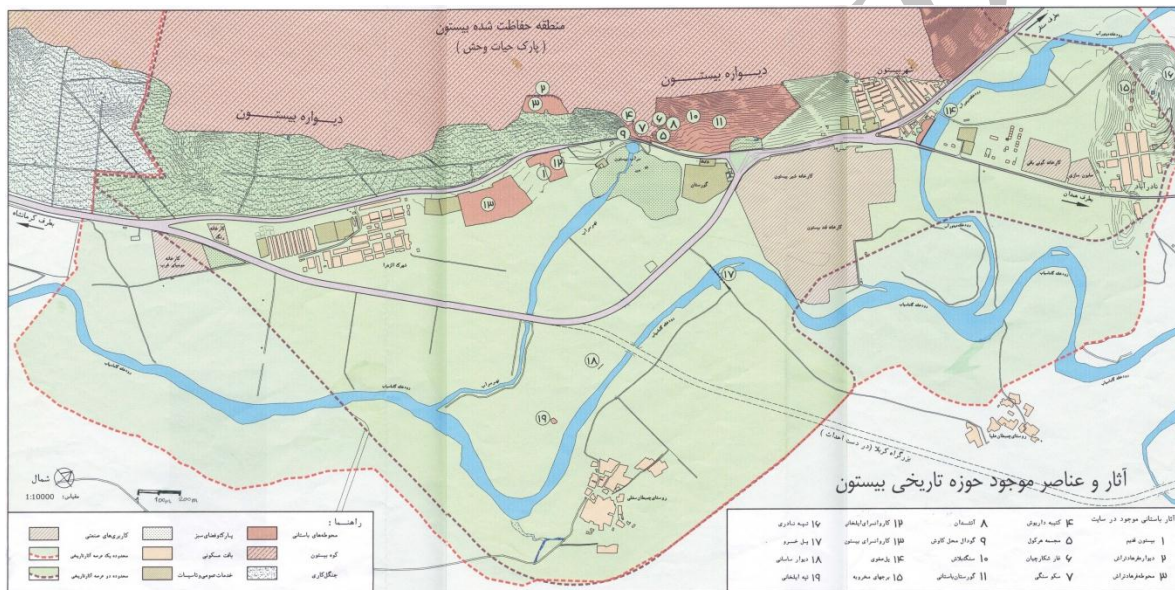
_____, 1975, Vorislamische Ruinen im nördlichen Zagros, *AMI*, Vol. VIII, pp. 133-140.

Mann, O., 1903, *Archaeologisches aus Persien*, Globus 83.

Rawlinson, H. C., 1839, Notes on a March from Zohab at the Foot of the Zagros along the Mountains to Khuzistan (Sasanian) and from Thence Through the Province of Luristan to Kirmanshah in The Year 1836, *Journal of the Royal Geographic Society*, No.1, pp. 29-116.

Von Gall, H., 1990, The Figural Capitals at Taq-e-Bostan and the Question of the so-Called Investiture in Parthian and Sasanian Art, *Silk Road Art and Archaeology*, Vol. I, pp. 99-121.

تصاویر



نقشه ۱: پراکندگی آثار در محوطه باستانی بیستون (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



تصویر ۱: نمونه‌هایی از سکه‌های خسرو دوم (جوادی و آورزمانی، ۱۳۸۸: ۱۹۴).



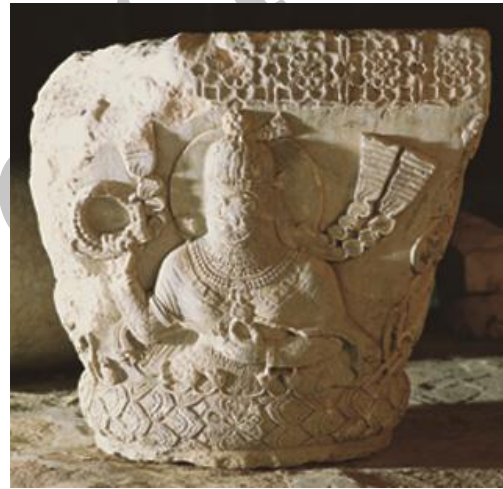
تصویر ۳: نگاره خسرو دوم بر روی یکی از سرستون‌های بیستون (بایگانی مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی استان کرمانشاه).



تصویر ۲: جزئیات تاج بالدار خسرو در نگاره تاج ستانی ایوان بزرگ طاق بستان (عکس از: سجّاد علی بیگی).



تصویر ۵: یکی از سرستون‌های بیستون با نقش آناهیتا و خسرو دوم (عکس از: مجتبی چرمچیان).



تصویر ۴: یکی از سرستون‌های بیستون با نقش ایزد بهرام و خسرو دوم (بایگانی میراث فرهنگی استان کرمانشاه).



تصویر ۷: شالی ستون ناتمام در شرق دیوار پشتیبان فرهادتراش (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



تصویر ۶: یکی از سرستون‌های بیستون با نقش اهورامزدا و خسرو دوم (عکس از: سجّاد علی بیگی).



تصویر ۸: بقایای ساقه ستون ناتمام در شرق فرهاد تراش (برگرفته از: رهبر و علی بیگی، ۱۳۸۸: ۸۵، تصویر ۵).



تصویر ۹: بنای ساسانی - ایلخانی بیستون (دید از شمال غرب) (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



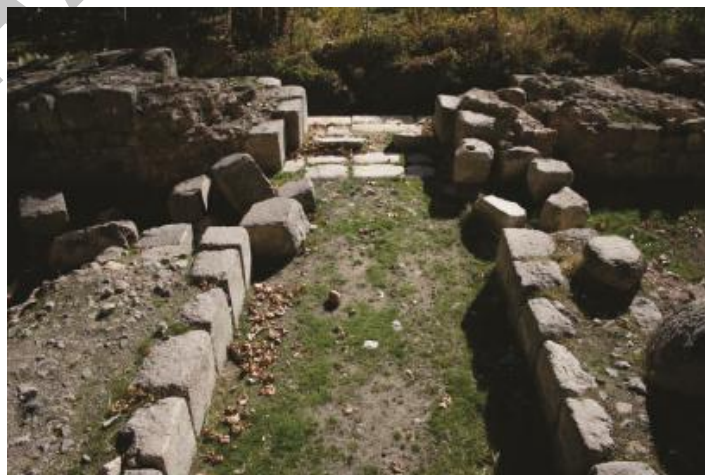
تصویر ۱۰: ساختار دیوار شمالی کاخ A و پشتبندهای آن (رهبر، ۱۳۸۸: ۲۰۹، تصویر ۷۸).



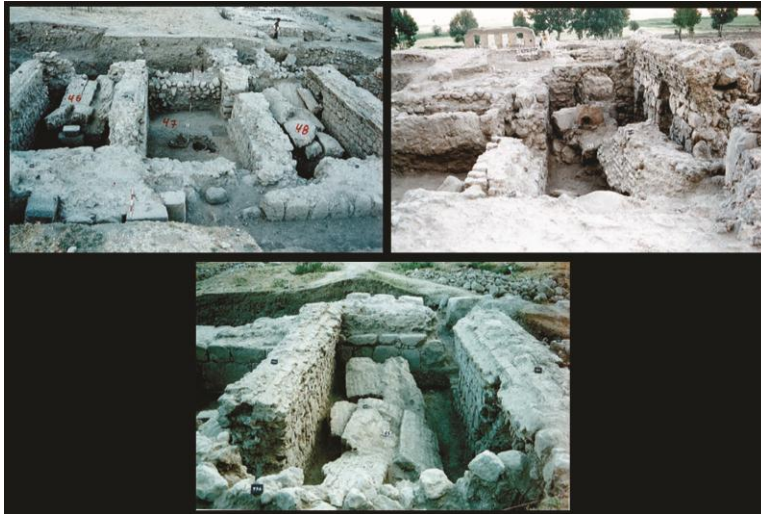
تصویر ۱۱: یکی از پشتبندهای ضلع شرقی فضای «A» در داخل اتاقهای ۲۶ و ۲۷، از مدارک تقدّم فضای «A» نسبت به فضای «B» (رهبر، ۱۳۸۷: تصویر ۲۰).



تصویر ۱۲: وضعیت درگاه ورودی غربی کاخ B (دید از شرق) (رهبر، ۱۳۸۷: تصویر ۱۸).



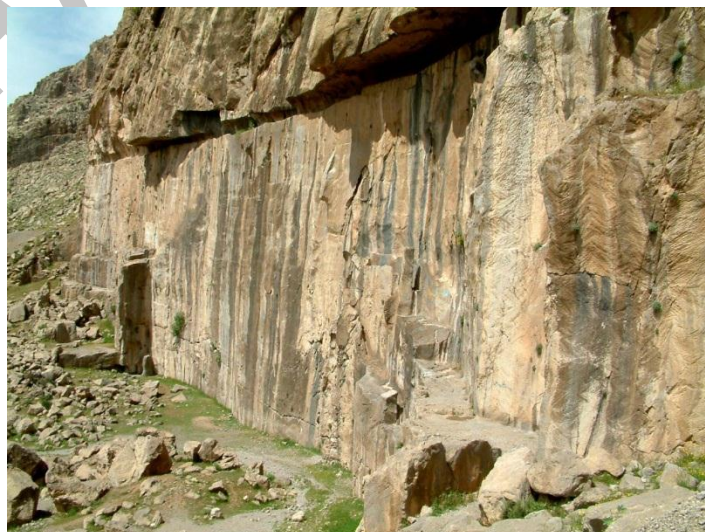
تصویر ۱۳: دروازه شرقی کاخ B (دید از غرب) (رهبر، ۱۳۸۸: ۲۱۵، تصویر ۹۰).



تصویر ۱۴: آوار سقف اتاق‌های کاروانسرا که به یکباره فرو ریخته‌اند (رهبر، ۱۳۸۰: تصاویر ۴۴-۵۲-۶۴).



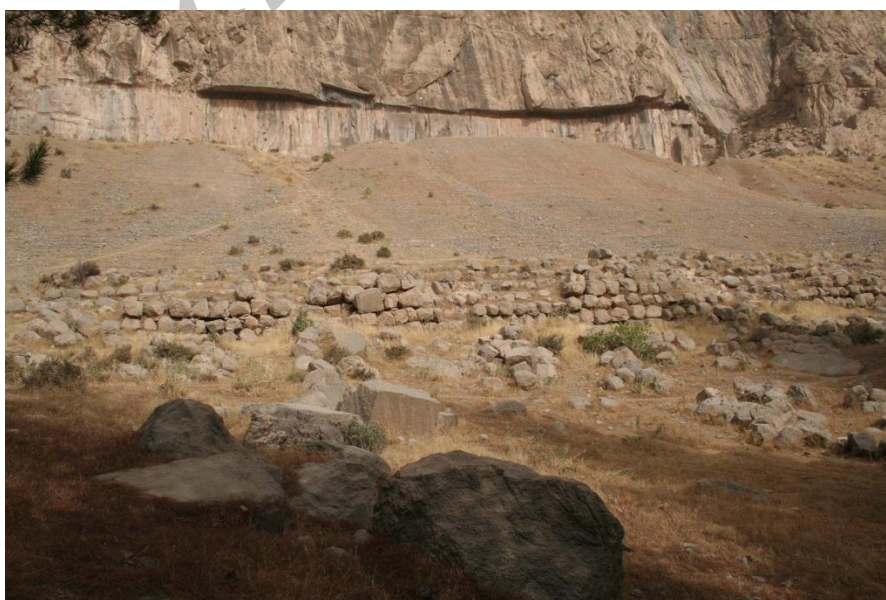
تصویر ۱۵: بلوک‌های سنگی تراش خورده در حدفاصل فرهادتراش تا کتیبه داریوش (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



تصویر ۱۶: صخره تراش خورده فرهادتراش (دید از شمال) (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



تصویر ۱۷: نقش صورت یک زن که بر سطح فرهادتراش نقش شده است (صارمی، ۱۳۸۷: تصویر ۴-۲۱).



تصویر ۱۸: تراس خاکی، دیوار پشتیبان و سنگهای تراش خورده پراکنده در مقابل فرهادتراش (دید از جنوب شرق) (عکس از: علی محبی).



تصویر ۱۹: کانال سرتاسری موجود در قسمت فوقانی فرهاد تراش (صارمی، ۱۳۸۷: تصویر ۴-۱۳).



تصویر ۲۰: شواهدی مبنی بر استفاده از گوه‌های چوبی در روند ساخت فرهاد تراش (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



تصویر ۲۱: منظره عمومی پل خسرو (دید از شمال غرب) (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



تصویر ۲۲: نمای عمومی پل خسرو (دید از جنوب غرب) (عکس از: مژگان خان‌مرادی).



تصویر ۲۳: آبشکن‌های مثلثی و بستهای فلزی به کار رفته در ساختار پایه‌های پل خسرو (عکس‌ها از: مژگان خان‌مرادی).



تصویر ۲۴: منظره عمومی پل بیستون (دید از غرب) (خان‌مرادی، ۱۳۸۷: ۱۵۷، تصویر ۱۵).



تصویر ۲۵: نمای جنوبی پل بیستون (بایگانی مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی بیستون).



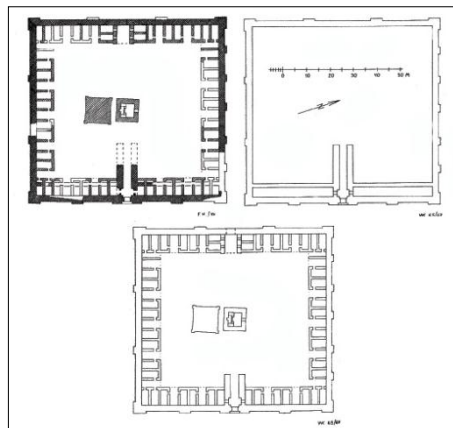
تصویر ۲۶: نمونه ای از فرم چیدمان پایه های ساسانی پل بیستون (مرادی، ۱۳۸۱: ۱۷۹، تصویر ۴۴).



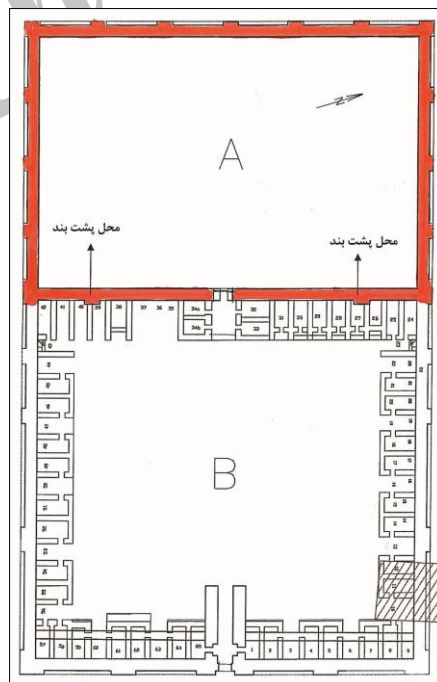
تصویر ۲۷: کتیبه ساسانی حک شده بر روی پایه شماره ۷ پل بیستون (مرادی، ۱۳۸۱: تصویر ۱۴۶).



تصویر ۲۸: نمای جنوبی دهانه شماره «۱» پل بیستون (خان‌مرادی، ۱۳۸۷: ۱۷۱، تصویر ۴۳).



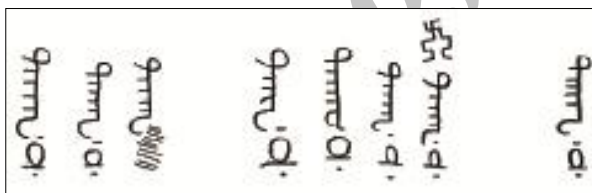
شکل ۱: دوره‌های مختلف ساخت و ساز در بنای ساسانی ایلخانی بیستون از دیدگاه هیأت آلمانی (کلایس، ۱۳۸۵: ۲۰۱، شکل ۱۷).



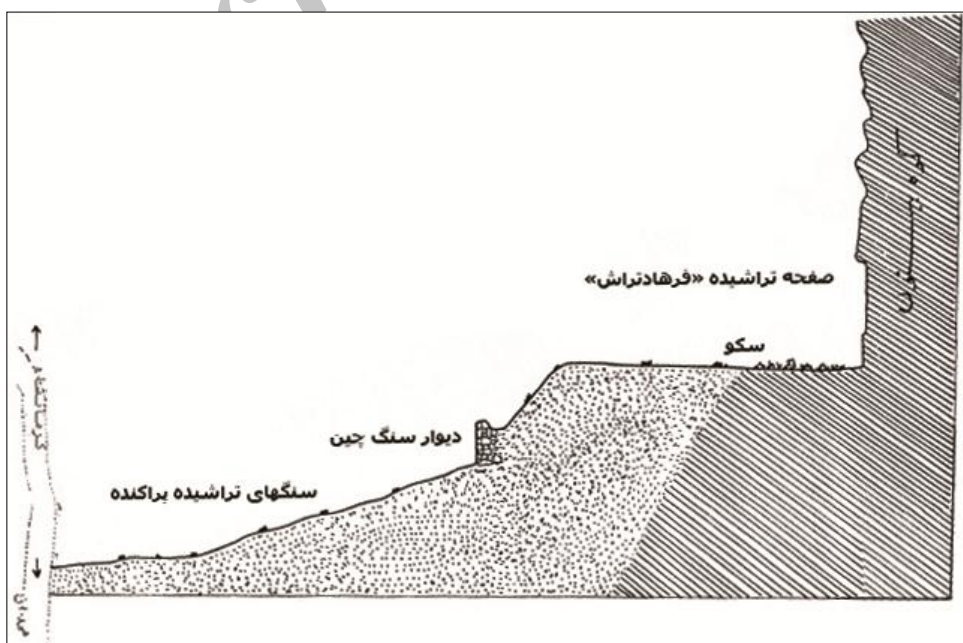
شکل ۲: بنای ساسانی - ایلخانی بیستون پس از انجام ششمین فصل از کاوش‌های هیأت ایرانی (رهبر، ۱۳۸۸: ۳۲، شکل ۸).

ردیف	عمل کشف	علامت
۱	پشته گورستان غربی	د ۷ ی
۲	در برابر پشته اول	س + ع
۳	اولین پشته شمال	س س س
۴	پشته سوم شمال	د ر ه
۵	پشته چهارم	س
۶	پشته پنجم	د ه
۷		+
۸	گنبد ۴ جبهه‌داری	س د ر ه

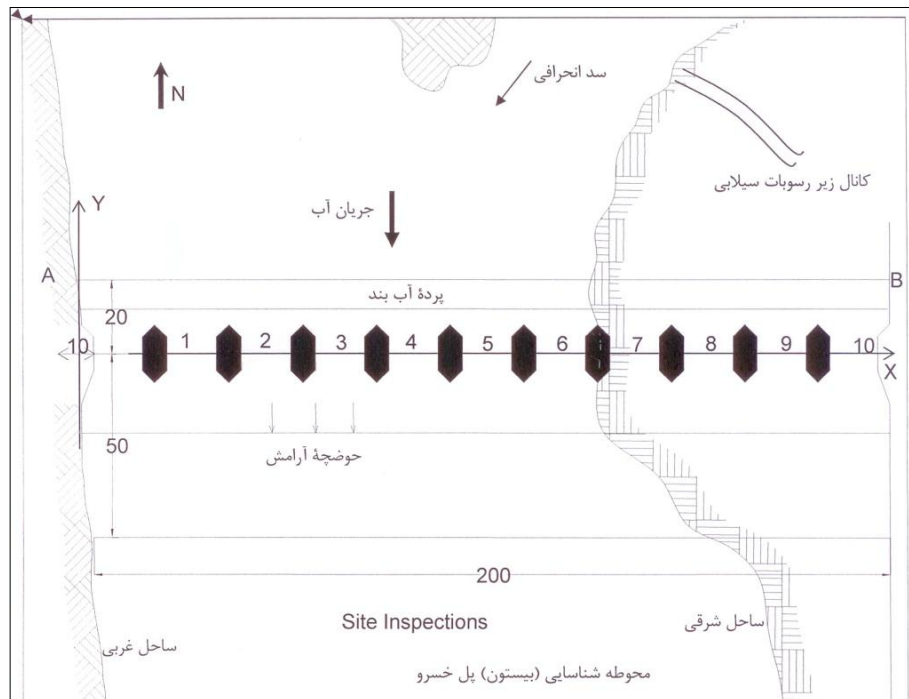
شکل ۳: نمونه‌هایی از علائم حجاران حک شده بر روی بلوک‌های تراش خورده بنای ساسانی - ایلیخانی بیستون (رهبر، ۱۳۸۸: ۳۶، شکل ۹).



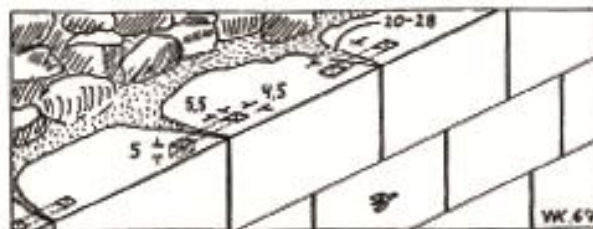
شکل ۴: واژه مزداکرت که بر روی بلوک‌های ساسانی در چند نقطه از بیستون کشف شده است (لوشای، ۱۳۸۵: ج ۱۳۹، شکل ۱).



شکل ۵: برشی از کوه بیستون، صفحه تراش خورده، تراس خاکی و دیوار مقابل فرهادتراش (شاپور شهبازی، ۱۳۵۳: شکل ۱).



شکل ۶: پل خسرو (مهندسین مشاور خاک - پایه، ۱۳۸۸: شکل ۱).



STEINMETZZEICHEN:

WESTLICHER BRÜCKENKOPF: (UNTER STEINPACKUNG):

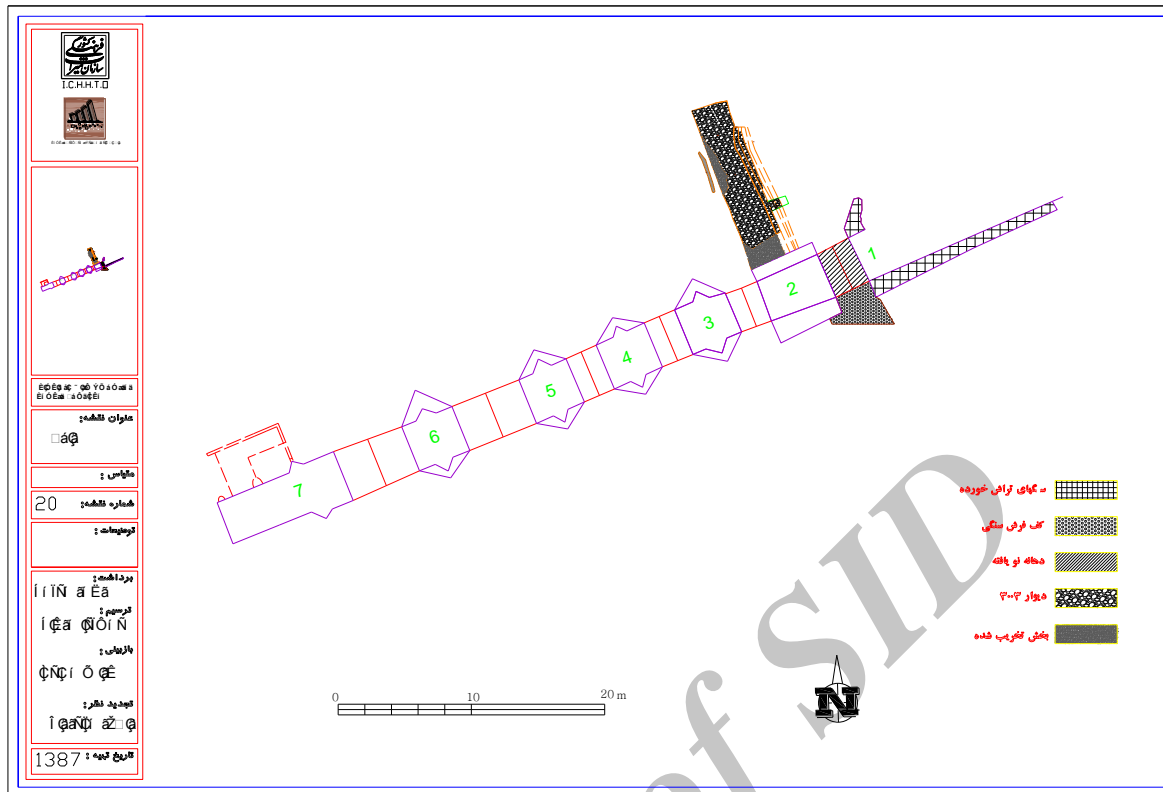
2. STROMPFEILER VON OSTEN (IN SITU):

3. STROMPFEILER VON OSTEN (BLOCK IN STURZLAGE):

BLOCKE AM ÖSTLICHEN BRÜCKENKOPF (IN VERSCHLEPPTER LAGE):

IM BEREICH DER UFERMAUER:

شکل ۷: بست های فلزی و علائم حجّاران موجود بر روی پایه های پل خسرو (کلایس، ۱۳۸۵: ج: ۱۵۱، شکل ۶).



شکل ۸: پل بیستون پس از پایان سومین فصل کاوش‌ها (خان مرادی، ۱۳۸۷: نقشه شماره ۲۰).

Archive of SID